



پاسخ بہ ۲۰ شبہ مہدویت - استاد حدائق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱- امام مہدی (عج) چگونہ زندہ است ؟

یکی از سؤالاتی کہ پیرامون وجود مقدس امام زمان ارواحنا له الفداء، عزیزان مطرح می کنند و مورد سؤال است، این است کہ امام زمان، چگونہ زندہ است ؟ و بعد طرح موضوع می کنند کہ: چگونہ می شود یک انسان، بیش از ہزار و یکصد و ہشتاد و چند سال، بہ حیات خود ادامہ بدهد و حال این کہ ما در دورانی

زندگی می‌کنیم که عمرها به ندرت، تجاوز از صد سال می‌کند؟

در پاسخ به این سؤال، من ابتدائاً از لحاظ علمی و بعد تجربی نکته‌ای عرض کنم و بعد هم پایان مطلب را با آیه‌ی شریفه‌ی قرآن به پایان برسانم.

یک جهت بحث طول عمر، بحث علمی است که آیا از نظر علمی امکان وقوع چنین مسئله‌ای هست یا خیر. دانشمندان ما، اطباء ما، صاحب‌نظران و اساتیدی که امروز حضور دارند در مجامع بشری، همه بر این باورند که بدن انسان، اگر سلامت آن حفظ شود و آسیب به سلامتی جسم نرسد، پیکر انسان، ظرفیت یک عمر طولانی را دارد و انسان می‌تواند به حیات خود ادامه بدهد در صورتی که سلامتی او حفظ بشود و یک علت عمده‌ی مرگ و میرها همین است که بیماری‌ها سبب می‌شود انسان‌ها از پای در می‌آیند و روح از کالبد آنها خارج می‌شود. این یک مسئله‌ی

علمی است که رعایت سلامتی و بهداشت و تندرستی، سبب طول عمر و بقاء انسان‌ها می‌شود. حتی در آمارهایی که ارائه می‌شود می‌گویند ظرفیت عمر انسان، اگر سلامتی او حفظ بشود و آسیب به پیکره‌ی وجود او نرسد، صدها سال این بشر قابلیت و صلاحیت زندگی کردن را دارد.

خب همین جا من نکته‌ای را عرض کنم؛ شخصیت امام زمان، شخصیتی است که در علم و دانش، فردِ اول نظام خلقت است؛ چون نماینده‌ی الهی است و نماینده‌ی خدا بر روی زمین است و قطعاً در مسائل تجربی و بهداشتی، کارآمدترین انسان، وجودِ مقدس ولیّ عصر است. شخصیتی که می‌داند از این امانت الهی (پیکر) چگونه استفاده کرد. قطعاً طول عمر برای کسی که بهداشت جسم را و سلامت جسم را رعایت می‌کند، امر محال و امر بعیدی نخواهد بود.

ضمن این که در کنار این بُعد علمی، ما بُعد و لحاظ تجربی را هم که نگاه کنیم، در تاریخ گذشته‌ی بشریت، این امری بوده که میسور بوده و اتفاق افتاده. کتابی است به نام «المُعَمَّرُونَ» (کهنسالان عالم) کسانی که در قرون گذشته و در سده‌های گذشته، عمرهای طولانی داشته‌اند؛ شخصیت‌هایی که از مصادیق آن‌ها خود حضرت نوح است که حضرت نوح، ۹۵۰ سال قبل از طوفان زندگی کرد و بعضی‌ها در تاریخ، عمر حضرت نوح را تا قریب به هزار و ششصد سال نقل کرده‌اند. حضرت لقمان، از کهنسالان عالم بود. انبیاء فراوانی از پیامبران الهی، این‌ها دارای یک طول عمر طولانی بودند و این بیانگر این است که این امر، از نظر تجربی هم امکان وقوعی داشته و کسانی بوده‌اند در گذشته‌ی تاریخ، که این‌ها از عمر طولانی استفاده کرده‌اند. الآن دانشمندان، بر روی بعضی از حشرات تحقیق کرده‌اند که می‌توانند

عمر یک حشره را تا ۹۰۰ برابر افزایش بدهند و این کار را به جامه‌ی عمل رسانده‌اند.

قطعاً انسان‌ها اگر بهداشت جسم را بتوانند رعایت کنند، امکانش هست که این طول عمر رقم بخورد ضمن این‌که وجود مقدس امام عصر، برجسته‌ترین انسان از جهات علمی است و از جهات رعایت اصول بهداشتی و اخلاقی است.

فرا‌تر از این دو مطلبی که عرض کردم، امر الهی است؛ قرآن می‌فرماید در سوره‌ی مبارکه‌ی یس: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آیه ۸۲) (امر خدا وقتی بر مطلبی رقم خورد و تحقق یافت، خدا می‌فرماید باش، پس می‌باشم). و این، فرا‌تر از دو نکته‌ی قبل است که من عرض کردم.

اراده‌ی الهی وقتی تعلق گرفت، مرده، زنده می‌شود به امر عیسی و عنایت حضرت حق. اراده‌ی الهی وقتی تعلق گرفت، یک خانمی که شوهر ندارد، دارای فرزند

می‌شود: حضرت مریم، مادرِ حضرت عیسی سلام
الله علیهما.

اراده‌ی الهی وقتی تعلق گرفت، از خاک، بشر آفریده
می‌شود: آدم ابوالبشر و حضرت حوا، پدر و مادر
همه‌ی ما را از خاکی می‌آفرینند که روی حسب قواعد
ظاهر، شدنی نیست.

پس امرِ خدا، بر هر چیزی حاکم و مسیطر است و هر
ناممکنی برای خدا، امکان وجودش هست.

قطعاً امام زمان، ولیّ خداست و مشیّت و اراده‌ی الهی
هم بر این تعلق گرفته است که این ولیّ را، خداوند
زنده نگه دارد در پس پرده‌ی غیبت با منافع و آثار
فراوانی که در پرتو این حضورِ امام ولو در پس پرده‌ی
غیبت ولو در انظار مردم امام مشاهده‌ی علنی
نمی‌شود، این امرِ خداست، و امرِ خدا بر هر چیزی
حاکم است و بر هر چیزی حکومت دارد و شدنی
است.

*۲- چرا امام مهدی (عج) غایب شدند؟

یکی از سؤال‌های مهدوی که برای بخشی از عزیزان ما مطرح می‌شود این است که چرا امام زمان، غائب شدند و اساساً، چرا ما باید از وجود این امام، محروم بمانیم؛ زمانه‌ای که ایجاب می‌کند یک امام عدالت‌گستر در بین مردم حضور داشته باشد و مردم به برکت وجود او، مشکلات اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی خود را، خانوادگی خود را برطرف کنند، چرا این امام در پس پرده‌ی غیبت است و چرا امام، غائب است؟

من نکته‌ای را مقدمتاً عرض کنم؛ با این که بشارت الهی در قرآن این است که خدا وعده فرموده: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (سوره قصص / آیه ۵) خدا می‌فرماید ما اراده کردیم که بر مستضعفین روی زمین منت بگذاریم و برای آنها ائمه‌ای و پیشوایانی و رهبرانی را

قرار بدهیم. « وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ». یکی از جاهایی که در قرآن خداوند می‌فرماید ما منت داریم و این نعمت بزرگ را بر بشریت ارزانی داشتیم، تعیین رهبران الهی برای هدایت بشریت است. این وعده‌ی الهی است در قرآن.

اما چرا امام، غائب است؟

یک جهت‌ش که در روایات ما متذکر شده‌اند اولیاء معصومین، وجودِ ستمگران ظالمی که در صدد از بین بردنِ ولیّ عصر هستند. البته در دورانِ قبل از امام زمان هم شما می‌بینید که آباء بزرگوار امام زمان را هم در زمانِ ستمگران معاصرِ خودشان به شهادت رسانده‌اند.

قطعاً اگر امام زمان، بعد از امام عسکری در بین مردم حضور داشت، آن سرنوشت تلخی که برای پدران‌ش و اجداد طاهرینش رقم خورده بود، برای ایشان هم

رقم می خورد. شاید این سؤال برای عزیزان پیش بیاید که: خب خداوند، امام زمان را حفظ می کرد؟
خداوند، جبراً امام زمان را از گزند این مفسد محفوظ می داشت؟

البته مشیت الهی در نظام خلقت این نیست. خداوند، اولیاء الهی را برای هدایت بشریت فرستاده و خلعت اختیار را بر قامت بشریت پوشانده. انسانها مختارند در انتخاب راه صحیح و راه باطل در دنیا، و باید پاسخگو باشند در آخرت و عقبی، نسبت به نحوه ی زندگی خود در دنیا.

قطعاً نظام این گونه است؛ همان روشی و اتفاقی که برای پیامبر رقم می خورد و برای امیرالمؤمنین رقم می خورد، قطعاً برای امام زمان هم چنین اتفاقی می افتاد اگر امام زمان در بین مردم بود و غائب نمی شد، ستمگران لحظه شماری می کردند؛ با توجه به این که یک حساسیت ویژه ای هم روی امام زمان

ایجاد شده بود. چون از رسول خدا، حضرت زهرای مرضیه تا امام عسکری، این سیزده نور پاک و معصوم، بشارت آمدن مصلحی را داده بودند که دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. لذا دشمنان فضیلت و عدالت و حقیقت، منتظر بودند که این مصلح عدالت گر متولد شود و او را از پای در آورند.

لذا ما می بینیم از بدو تولد، امام غائب بود و حتی نزدیک ترین کسان به امام زمان در بیت ولایت، که عمه ی امام عسکری حکیمه خاتون بود، اطلاع نداشت و در بین چند سالی که در کنار پدر بود، خیلی از یاران امام عسکری، حضرت را ندیده بودند. این بیانگر این است که جامعه، یک جامعه ی آماده ای نبود و حکومت ستمگران در صدد دسترسی به این ولیّ خدا بودند. این یک. که خوف از گشته شدن بود. البته ما یک خوفِ ممدوح داریم و یک خوفِ مذموم. خوفِ ممدوح آن خوفی است و ترس پسندیده که

انسان، یک جاهایی را احتیاط می‌کند و هراس دارد، و هراسِ عقلی است. این پسندیده است. خوفِ مذموم، خوفی است که انسان، در جایی که پسندیدگی و خردورزی عقل او را تأیید نمی‌کند، انسان بترسد. لذا در این جا این خوف، خوفِ ممدوح است که قطعاً ستمگران درصدد به شهادت رساندنِ حضرت بودند.

نکته‌ی دیگری که این جا حائز اهمیت است، عدم آمادگیِ مردم در پذیرش امام زمان است؛ کما این که در دوران‌های قبل هم در زمان پدران بزرگوار امام عصر و انبیاء گذشته، آن استعداد و آمادگی عمومی در بین مردمی که انبیاء و اولیاء بین این‌ها بودند، نبود. یک جهت هم همین بود و تا الآن هم که ما با شما صحبت می‌کنیم که حضرت ظهور نکرده‌اند، آن آمادگی عمومی اتفاق نیفتاده. بله، شاید شماها بگویید ما آماده‌ایم و ما پذیرای حضرتیم و ما مشتاقیم

اما امام، امام عصر است و امام زمان است و بر بشریت می‌خواهد حکومت کند و جامعه‌ی بشری باید پذیرای او باشد.

و یک نکته‌ی دیگر هم و عرض را تمام کنم؛ از پاسخ‌هایی که چرا امام، غائب است، خود این غیبت و غائب بودن، یک محکی است و یک وجه تشخیصی است برای شناخته شدن حق از باطل و پاکان و ناپاکان. در این دوران غیبت، آن‌هایی که صادق‌اند و آن‌هایی که پاک‌اند و خالص‌اند و خودشان را نشان می‌دهند و قطعاً کارهای این‌ها و تلاش این‌ها خیلی پرصواب و پرآجر است.

در روایت داریم که پیامبر فرمود در دوره‌ی آخرالزمان که کسانی می‌آیند که حجت خدا بین آن‌ها قرار ندارد و تنها عامل هدایت، سیاهی بر روی کاغذ یعنی قرآن است. این‌ها با نبودن و غیبت امامشان، ایمان خود را

حفظ می کنند. پیامبر فرمود: این ها مثلِ برادرانِ من نسبت به من هستند.

***۳- آیا ۳۱۳ یار امام تکمیل شده ؟**

آیا ۳۱۳ یار امام تکمیل شده ؟ اگر نه چرا هنوز تعداد ۳۱۳ نفر یار امام تکمیل نشده چون یکی از شرایط ظهور را همین میدانند

و آیا جزء زنده ها هستند یا از رجعت کنندگان ؟

یکی از سؤالاتی که در ذهن بعضی از عزیزان ما خطور می کند و مطرح می شود این است که: آیا سیصد و سیزده نفر یارانِ امام زمان، تکمیل نشده اند؟ بعضی ها سؤال می کنند که آیا این سیزده و نفر ما روی کرهی زمین نداریم؟ سیصد و سیزده نفر انسانِ پاک نداریم که حضرت بیایند و با آن ها حکومت خود را شروع کنند؟ و اگر هنوز این سیصد و سیزده نفر تکمیل نشده، چه شرایطی را می شود فراهم کرد که بالأخره این ها اتفاق بیفتد؟ و سؤال دیگر این که آیا این سیصد

و سیزده نفر، همه در زمره‌ی انسان‌هایی هستند که زندگی می‌کنند یا از رجعت‌کنندگان هم در این سیصد و سیزده نفر کسانی حضور خواهند داشت؟

نسبت به تعداد یارانِ امام زمان، اولاً این نکته را من عرض کنم که در روایات هم داریم که این سیصد و سیزده نفر، با توجه به سیصد و سیزده نفر یاران پیامبر در جنگ بدر که تداعی‌کننده‌ی آن حضور یاران باوفای رسول الله در جنگ بدر است که جنگ بدر با توجه به این که از نظر عِدّه و عُده، تجهیزات، امکانات، مسلمان‌ها قابل مقایسه‌ی با کفار نبودند. کفار، جمعیتی غالب، تجهیزاتی بیش‌تر و فراوان و تجارب گسترده‌ای در جنگ داشتند. مسلمان‌ها از این‌ها محروم بودند اما با ایمان به خداوند، سیصد و سیزده نفر یارِ صادق با وفا کنار پیامبر قرار گرفتند و جنگ بدر، طعم پیروزی را برای مسلمانان به ارمغان آورد.

در روایتی داریم که «يُصْلِحُ اللهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ» (غیبت نعمانی،

محمد بن ابراهیم نعمانی، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ هـ.ق، ص ۱۶۳).

خدا کارِ امام زمان را در یک شب، تمام می‌کند. یعنی زمانِ موعود که فرا رسید، این کار در یک شب رقم خواهد خورد.

اما پاسخ اولی که من عرض کنم، این سیصد و سیزده نفر به این معنا نیست که الآن ما بگوییم سیصد و سیزده نفر انسانِ صادقِ خالص نداریم. بله، هستند الآن انسان‌ها و جمعیت‌های پاک و شریف و متدین. ما در زمان حاضر، شهدایی که خود دیدیم. سردار سلیمانی و امثال سردار سلیمانی‌ها، شهداء دفاع مقدس، امام راحل، متدینین ما، مؤمنین ما، مؤمنات ما، در جامعه‌ی ما می‌بینیم مردان و زنان با ایمان و با اخلاصی که با سلامت و درستی زندگی کردند و رفتند، قطعاً این‌ها صلاحیت و شرایط اصحاب‌المهدی را داشتند و در رجعت هم

برمی‌گردند بخشی از این‌ها و یاری می‌کنند امام خودشان را.

پس این تعداد سیصد و سیزده نفر به این معنا نیست که الآن جمعیت بشری، سیصد و سیزده نفر آدم خوب در آن یافت نمی‌شود؛ افراد فراوانی روی کره‌ی زمین هستند در گوشه و کنار دنیا که این‌ها، نقش یاری حضرت را دارند ایفا می‌کنند در زندگی خود و در مراودات خودشان. این سیصد و سیزده نفر، کسانی هستند که در لحظه‌ی ظهور، در مسجدالحرام کنار امام حاضر می‌شوند و شروع‌کننده‌ی حرکت هستند در کنار امام زمان. اما چرا حضرت نیامدند، آن آمادگی جهانی باید اتفاق بیفتد. یعنی یک آمادگی همگانی و پذیرش عمومی اگر رقم خورد، آن سیصد و سیزده نفر با حضرت، کار را آغاز می‌کنند. این به معنای حصر نیست که فقط امام زمان هست و سیصد و سیزده نفر. این‌ها در کنار حضرتند و با

حضرتند. اما دنیا، پذیرای آمدنِ امام زمان است و وقتی حضرت در مسجدالحرام خطبه می‌خوانند و خودشان را معرفی می‌کنند که خطبه‌ی مفصلی از امام علیه‌السلام نقل شده که در مسجدالحرام می‌خوانند و خود را به بشریت عرضه می‌کنند، دنیای بشریت رو به امام می‌آورد و اقبال می‌کند.

ما داریم که در جمع این سیصد و سیزده نفر، بله، رجعت‌کنندگان هم در بعضی از روایات داریم که پانزده نفر از قوم حضرت موسی و هفت نفر از اصحاب کهف در این مجموعه داخلند. و ابودجانیه انصاری، مقداد، سلمان، مالک اشتر، یوشع بن نون، در روایات ما اشاره شده که این‌ها هم در محضر حضرتند و در کنار حضرت رجعت می‌کنند و با امام، نهضت را و این حکومت جهانی را همراهی خواهند کرد.

* ۴ - ظهور با قیامت یکی است؟

از سؤالاتی که پیرامون امام عصر مطرح است این است که برخی از مردم، ظهورِ امام زمان را با قیامت، یکی دانسته‌اند و می‌گویند: ظهور یعنی همان قیامت و همان پایان یافتنِ عالم و شروعِ عالمی دیگر. آنچه ما از روایات استفاده می‌کنیم و از اولیاء معصومین که من به ذکر یک حدیث از پیامبر اکرم اکتفا کنم، بیانگر این است که قطعاً ظهور با قیامت، متفاوت است. دورانِ ظهور، وعده‌ای است که خداوند به بشریت عنایت فرموده که طعم عدالت را و مهرورزی را بشریت بچشد.

در قرآن خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (سوره انبیاء/ آیه ۱۰۵)

ما در کتاب زبور داوود و تورات حضرت موسی لوح محفوظ، ما این اشاره را کردیم که وارثان حقیقی زمین، بندگان صالح ما هستند. این بشارت الهی است

در قرآن که خداوند این وعده را به بشریت داده که قطعاً حکومت جهانی تحقق خواهد گرفت و آن طعم شیرین جامعه‌ی ارزشمند مدینه‌ی فاضله را بشریت، تجربه خواهند کرد.

پس این، ارتباطی با قیامت ندارد؛ ضمن این که در روایتی که در کتاب شریف منتخب‌الأثر از رسول خدا نقل شده که پیامبر فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ» اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، «لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ» خدا آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد «حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي» تا این که از نسل من و فرزندان من، شخصی قیام خواهد کرد و ظاهر خواهد شد «فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا» دنیا را پر از عدل و داد خواهد نمود، «گما مُلِئَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا» (غیبت طوسی، ج ۱، ص ۴۲۵) همان گونه که دنیا پر از ظلم و جور شده، این فرزند من خواهد آمد و

دنیا را پر از عدل و قسط خواهد نمود و بشریت، طعم عدالت را خواهند چشید.

از این حدیث و آیات شریفه استفاده می‌کنیم که بین ظهور امام زمان و قیامت، فاصله است. عصرِ ظهور، یک دورانِ جداگانه‌ای است که بشارت خداست که طعم عدالت را بندگانِ صالحِ خدا خواهند چشید و دورانِ قیامت، سرای دیگری است و عالمِ دیگری است و روز محاسبه‌ی اعمال است و روز نتیجه‌گیری از عملکردهایی است که مردم در دنیا کار کرده‌اند و فعالیت کرده‌اند و آن روز باید به نتیجه‌ی کارهای خود واصل و نائل بشوند.

پس ما تفکیک می‌کنیم قطعاً ظهور امام زمان را جزئی از عمر این دنیا می‌دانیم و بخشی از عمرِ این دنیا می‌دانیم و قطعاً چنین روزی، به نص صریح قرآن و روایات معصومین ما، خواهد رسید.

* ۵- چرا امام زمان (عج) به خورشید پشت ابر تشبیه شده است؟

یکی از سؤالات مربوط به وجود مقدس امام زمان، این سؤال است که بعضی از عزیزان سؤال می‌کنند که امام زمان در روایات، به «خورشید پشت ابر» تشبیه شده. این به چه معنایی است؟ این وجه تشبیهی که برای امام زمان به کار رفته که حضرت، همانند خورشیدی است که در پشت توده‌های ابر پنهان گردیده، که در سخنِ خودِ حضرت هم در ضمن پاسخ‌هایی که حضرت به اسحاق بن یعقوب دادند، وقتی که از خودِ حضرت سؤال شد که در دورانِ غیبتِ شما، مردم چگونه می‌توانند از شما استفاده کنند و بهره ببرند، حضرت فرمودند: «أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي» روشِ بهره بردنِ از من در زمانِ غیبتم، «فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ» من همانند خورشیدی هستم که «إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»

ص ۴۸۵) همان طوری که توده‌های ابر، این خورشید را پنهان نموده و خورشید را مردم نمی‌توانند ببینند

چون توده‌های ابر مانع رؤیت مستقیم نور خورشید است، من هم در عصر غیبت، همانند همان خورشیدی هستم که در پشت هاله‌ها و توده‌های ابر قرار گرفته.

خب چند نکته را من محضر عزیزان عرض کنم که چرا این تشبیه اصلاً در کلام و توقیع حضرت به کار رفته؟ نکته‌ی اول این است که عزیزان، خورشید، منشأ و مایه‌ی حیات و زندگی است برای بشریت و برای جامعه‌ی بشری. همان طوری که خورشید، منشأ حیات است و عامل زندگی است، امام هم همانند خورشید است. ما در اعتقاداتمان و در دعاهايمان می‌گوییم: «بِیْمِنِهِ رُزْقَ الْوَرَى وَ بِوُجُوْدِهِ ثَبَّتَ الْأَرْضُ

وَ السَّمَاءُ» (زاد المعاد، علامه مجلسی، ص ۴۲۲؛ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای عدیله). به برکت

شماست که هستی، رزق می‌خورد و به برکت

شماست که نظام خلقت، دوام دارد. «رُزِقَ الْوَرَى وَ
بُجُودِهِ ثَبَّتَ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ» نظام آسمان و زمین،
قوام پیدا کرده. امام، خلیفه الله است بین بندگانِ خدا
و وجودش، منشأ خیر و برکات است برای بشریت
همان طوری که خورشیدی که مخلوقِ خداست،
عامل حیات است برای طبیعت و برای انسان‌ها و
برای اشجار و برای همه‌ی مخلوقات، وجود مقدس
امام هم همانند خورشید، عامل زندگی و حیات و
رشد و شکوفایی و بالندی است برای همه‌ی بشریت؛
چه مسلمان و چه کافر؛ چه معتقد و چه غیرمعتقد،
وجودِ امام مثل همان خورشیدی است که همه را
پرتوافشانی می‌کند و همه از برکتِ او بهره‌مندند.

نکته‌ی دیگر، امام واسطه‌ی فیض الهی است برای
مخلوقات. ما خورشید را از مخلوقات الهی می‌دانیم
و این مخلوق یعنی خورشید، سبب فیض است و
فیض‌رسانی است به امر خدا برای مخلوقات الهی.

امام زمان هم واسطه‌ی فیض خداست برای بشریت همان‌گونه که خورشید واسطه‌ی فیض است برای بشریت.

نکته‌ی دیگر؛ چه‌طور اگر خورشیدی، عالم را روشن کرده؛ منکر خورشید حرفِ عبثی می‌زند. یعنی کسی بگوید خورشید وجود ندارد ولو خورشید پشت هاله‌های ابر.

اگر کسی امام زمان را منکر شود، مثلِ کسی است که خورشید را منکر شده؛ یعنی یک سخنِ غیرمتعارف نامعقول. چطور نمی‌پذیریم از فردی، انکارِ خورشید را، زمانی که خورشید محسوس می‌بینند مردم و مشاهده می‌کنند، امام زمان هم همانند آن خورشید است.

مطلب دیگری که در این تشبیه من عرض کنم محضر عزیزان، خورشیدِ پشتِ ابر، روشنائی دارد اما ابر، مانع رؤیت اوست. امام در پس پرده‌ی غیبت هم

همین گونه است؛ امام در پس پرده‌ی غیبت، نورانیت امامت و هدایتش برای بشریت، قطع نشده. اما آنچه که سبب می‌شود ما رؤیت نمی‌کنیم امام را، این همان توده‌های ابری است و حجاب‌هایی است که مانع می‌شود لذا در کلامی که خواجه نصیرالدین طوسی می‌فرماید: «وُجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ فِي الْأَشْيَاءِ لُطْفٌ آخِرٌ وَ عَدَمُهُ مِنَّا» (کشف المراد/ ص ۳۶۳) وجودِ امام زمان برای بشریت لطفی است و تصرف امام و دخالت امام در کارهای هستی به امرِ خدا، لطفِ دیگری است و این که امام را مشاهده نمی‌کنیم، این مشکل ماست؛ وَ عَدَمُهُ مِنَّا.

مطلب دیگر، خورشید، برای همه‌ی هستی، برکت است؛ امام هم برای همه‌ی هستی برکت است. مؤمن و کافر، مرد و زن، اروپایی، آسیایی، آفریقایی، او امام زمان است و او ولیّ عصر است. او بر بشریت و

انسانیت، می‌خواهد رهبری کند؛ لذا همه از وجود او بهره‌مندند.

و یک مطلب دیگر این‌که، خورشید را مردم به اندازه‌ی وسعتشان استفاده می‌کنند. ببینید، نور خورشید می‌تابد. شخصی درونِ اتاق نشسته و درها را بسته و پرده‌ها را کشیده و خانه را ظلمانی کرده و از نور خورشید استفاده نمی‌کند. می‌گوید خورشید نیست؛ می‌گویند: شما در ظلمت قرار گرفته‌ای! شما پرده‌ها را کنار بزن! از این محیط ظلمانی خارج شو تا نور خورشید را ببینی.

عزیزان، همین‌طور که استفاده‌ی از نور خورشید به اندازه‌ی وسعت ماست و به اندازه‌ی تلاش و خواستنِ ماست، بهره‌مندی از امام زمان هم به اندازه‌ی وسعت و تلاش و کوششِ ماست. ببینید شخصی، زمینی دارد و این زمین را بذر می‌پاشد و آماده می‌کند و از نور خورشید استفاده می‌کند برای برداشتِ محصول

بہتر۔ بعضی‌ها این سرمایہ را رها کرده‌اند و استفادہ نمی‌کنند۔ این خورشید، ہر روز می‌تابد و غروب می‌کند ولی از این نور، بہرہ نمی‌گیریم۔ از این نور خورشید، مردم بہ اندازہی تلاششان و وسعتشان و خواستہ‌شان بہرہ می‌برند و از امام زمان ہم، انسان‌ها بہ اندازہی تلاش و وسعت و خواستن‌هایشان بہرہ می‌گیرند و استفادہ می‌کنند۔

*** ۶- آیا صحت دارد کہ ۵۰ زن جزء ۳۱۳ یار امام عصر(عج) خواہند بود؟ و نقش آن‌ها چیست؟**

یکی از سؤالاتی کہ پیرامون وجود مقدس امام زمان، در اذهان مردم نقش می‌بندد، این سؤال است کہ: آیا صحیح است کہ پنجاہ نفر از یارانِ امام زمان در آن سیصد و سیزدہ نفر، زن ہستند و بانوان ہستند؟ و این‌ها بہ چہ کاری می‌پردازند و نقشِ این‌ها در آن عصرِ ظہور در زمانِ قیامِ حضرت، چہ می‌باشد؟

در پاسخ به این سؤال، من روایتی را ابتدائاً از فرمایشات امام باقر علیه السلام که جابر بن یزید جُعی از امام باقر روایتی را نقل می کند که حضرت فرمودند: «وَجِيءُ وَ اللَّهِ الثَّلَاثِمِائَةِ وَ الْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا» خداوند، صاحب الزمان را زمانی که می آورد، سیصد و چند نفر (بِضْعَةُ عَشْر، سیصد و چند نفر) که اشاره به همان سیصد و سیزده نفر (بِضْعَةُ عَشْر رَجُلًا) با امام زمان ظهور می کنند و همراهی می کنند که حضرت می فرماید در این بِضْعَةُ عَشْر «فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً» در این سیصد و سیزده نفر پنجاه زن حضور دارند که «يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ»

(تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود، ج ۱، ص

۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳، باب ۲۵). این ها در مکه، همه ی این سیصد و

سیزده نفر اجتماع می کنند «عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ» (بحار الأنوار، ج ۵۱،

ص ۵۸؛ غیبت نعمانی، ص ۲۴۱). حال آن که وعده های هم نبوده و قراری

هم نبوده و قدرت الهی، این سیصد و سیزده نفر را در کمترین فرصت زمانی، در مکه و در جوارِ امام زمان

حاضر می‌کند که در این روایت، امام می‌فرماید،
پنجاه نفر از این سیصد و سیزده نفر، خانم‌ها هستند.

که از این حدیث، احادیث دیگری هم ذکر شده بیانگر
این است که در کنار امام زمان، بانوان پارسا و صالحه
و عالمه و درستکاری هستند که این‌ها هم نقش آفرینی
می‌کنند در رسالت‌های مربوط به خودشان. چون
مستحضرید قطعاً قیام امام زمان گرچه زمانی اتفاق
می‌افتد که اقبال عمومی و جهانی است، بشریت
آماده‌ی پذیرش‌اند و آماده‌ی تشریف‌فرمایی امام
هستند اما حکومت‌های ظالم، مخالف با حضرتند.

آن‌ها سرکشی می‌کنند و آن‌ها زاویه می‌گیرند و
آن‌هایی که دست‌اندازی کردند به حقوق و منافع
مردم و ظالمانه دارند زندگی می‌کنند، قطعاً در برابر
حکومت عدل امام زمان تسلیم نخواهند شد و
لذاست که در روایت داریم که امام زمان، با قدرت
ظهور می‌کند. در بعضی از روایات داریم که «فدخلوا

بالسيف» با شمشیر می‌آید. این «با شمشیر آمدن» حکایت از «با قدرت آمدن» است. امام، با قدرت کامل قیام می‌کند که بتواند از حقوق مستضعفین عالم و انسان‌هایی که حق این‌ها ضایع شد و حقوق این‌ها نادیده گرفته شد و نسبت به کسانی که دست‌اندازی در منافع مردم کردند و ضایع کردند حق انسان‌ها را، با این‌ها مقابله کند.

خب قطعاً جنگ‌هایی در خواهد گرفت و نظارت و مدیریت در رسیدگی به امور مجروحان و بیماران، قطعاً این جزء رسالت اولیه‌ی بانوان است که این‌ها در امر رسیدگی و امر بیماران و مجروحان و سرکشی‌های در این نوع کار، این‌ها این مسئولیت‌ها را قبول می‌کنند که در بعضی از نقل‌ها هم، این‌ها ذکر شده.

و لذا در قرآن هم خداوند می‌فرماید: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (سوره بقره/

آیه ۱۴۸) خدا می‌فرماید هر جا باشید، خدا جمع می‌کند همه را. که در روایت داریم این، اشاره‌ای به عصر ظهور هم هست که خداوند آن سیصد و سیزده نفری که یارانِ اولیه‌ی حضرت هستند که در کنار امام زمان، این‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند و بعد بشریت، گروه‌های دیگری هستند که به حضرت می‌پیوندند. این‌ها نمایندگان حضرت هستند و بسیج می‌شوند به سراسر دنیا برای اجرای عدالت و اجرای حق و حقیقت و عالم بشریت هم جزء یاران حضرت که آن‌ها هم همراهی خواهند کرد.

لذا در روایات داریم که در عصر ظهور، در محضر امام زمان و در کنار امام زمان، بانوان هم نقش‌آفرینی می‌کنند؛ چرا که نقش بانوان و مادران متدبّنه است که فرزندان صالح و شوهران صالح را در کنار خود به صحنه می‌آورند و در خدمت به فضائل و ارزش‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند.

* ۷ - چگونه بدانیم امام غایب به ما نزدیک است؟

یکی از پرسش‌های مهدوی که برای عزیزان ما ایجاد سؤال می‌کند این است که ما چگونه بدانیم که امام غائب، به ما نزدیک است؟

خب، این سؤالی است برای بخشی از عزیزان، که ما نمی‌دانیم امام عصر به ما نزدیک است یا نزدیک نیست. نسبت به این سؤال، یک جمله‌ای را من ابتدائاً و مطلبی را مقدمتاً عرض کنم که قطعاً حضرت در توقیع شریفی فرمودند ما بین مردم هستیم و مردم را می‌بینیم و مردم هم ما را می‌بینند اما آن‌ها نمی‌شناسند و ما آن‌ها را می‌شناسیم. امام را، امام رضا

می‌فرماید: «الإمام الوالد الشَّفيق» (الكافي: ۱/۲۰۰؛ الغيبة للنعماني: ۶/۲۱۹) •

امام، پدر مهربان امت است. و این پدر مهربان، قطعاً از فرزندان خود غافل نیست.

و خودِ حضرت در توقیع شریفی فرمودند: «فَإِنَّا
يُحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَائِكُمْ» (بحار الأنوار: ۱۷۵/۵۳) ما بر همه‌ی کارهای
شما به اذن الهی، احاطه داریم و به شما نزدیکیم.
کارهای شما، اعمال شما، گفتار شما، به اذن الهی به
ما عرضه می‌شود. نامه‌ی اعمال شما را به ما عرضه
می‌کنند؛ يُحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَائِكُمْ».

وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ؛ چیزی از مسائلِ شما،
به ما پوشیده نیست؛ یعنی ریز و درشت، خرد و کلان
و جزئی و کلی کارهای شما را به ما عرضه می‌کنند.

این که امام زمان؛ ای آگه از احوال ما، بر حالِ همه‌ی
ما آگاه و مُشْرِف است. در حالات یکی از ارادتمندان
به محضر امام باقر نقل می‌کنند که آمده بود مدینه،
دیداری داشت با امام باقر و می‌خواست خدمتِ
حضرت برسد، دَم درِ خانه‌ی حضرت در را کوبید.
کنیز خانه آمد دَم در و در را باز کرد، گفت: می‌خواهم
محضر امام برسم و وارد بشوم. آن کنیز هم رفت و

اجازه گرفت و بعد آمد و گفت: بفرمایید داخل.
خانه‌ی حضرت، یک دهلیزی داشت و دالانی
می‌خورد تا می‌رفت به صحن حیاط و برسد به آن
اتاقی که حضرت بودند. این طرف می‌گوید، من در
این فکر رفتم که امام که الآن در داخل اتاق نشسته،
از بیرونِ منزلِ خودش مَطَّلَع است یا نه، یک لحظه
دستم را گذاشتم روی سینه‌ی این کنیزی که دَم در و
در را روی من گشوده بود، البته قصدم، قصدِ امتحان
بود و قصدِ شهوت‌رانی و سوءاستفاده‌ی ضداخلاقی
نبود. تا دستم را روی سینه‌ی این کنیز گذاشتم،
صدای امام باقر از درونِ اتاق از منزل بلند شد: «**لا اُمَّ**
لک؛ ای مادر برای تو نماند، چه می‌کنی؟»

می‌گوید: من سراسیمه رفتم و وارد شدم و در اتاق به
خدمتِ حضرت و گفتم: آقا، به عزتِ خدا سوگند،
قصدم شهوت‌رانی نبود و قصدِ من، آزمودنِ علمِ شما
بود. امام هم از او پذیرفتند. فرمودند: شما فکر

می‌کنید ما از کارِ شما بی‌اطلاعیم؟ ما جزئی و کلی کارهای شما را به اذن الهی، به ما عرضه می‌کنند.

پس، امام زمان در کنارِ ماست و بر اعمالِ ما واقف است. امام زمان به ما نزدیک است؛ همان که خواجه نصیرالدین طوسی رضوان الله تعالی علیه می‌فرماید: «عَدَمُهُ مِنَّا» اگر ما احساس می‌کنیم دوریم، این دوری از عملکردِ ماست و از رفتارها و گفتارهای ماست. وَاِلَّا امام، بر همه‌ی اعمال ما و عملکردهای ما واقف است و به ما نزدیک است.

یک نکته را هم من عرض کنم؛ قطعاً امام بر همه‌ی مسائل ما به اذن الهی واقف است همان‌طوری که حضرت فرمودند: «يُحِيطُ عَلِمُنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ» چیزی از شماها بر ما پوشیده نیست.

همان‌گونه که ما در محضر خدا هستیم و عالم محضر خداست؛ «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (سوره علق / آیه ۱۴) در

محضر دو فرشته‌ایم که این‌ها کارهای ما را ثبت می‌کنند؛ «إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ، كِرَامًا كَاتِبِينَ» (آیات ۱۰ و ۱۱ سوره‌ی

انفطار) در محضر ولیّ خدا هستیم. این که قرآن می‌فرماید روزِ قیامت، ما از هر اُمّتی، شهیدی را می‌آوریم و شاهدی را می‌آوریم، شاهدِ هر اُمّتی، نماینده‌ی خدا در بین آن اُمّت بوده و در زمانِ ما و در عصر غیبت، شاهدِ بر اعمالِ ما، امام عصر است.

مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ ابوالحسن حدائق، ایشان در جلسات درسِ اخلاقشان، توصیه می‌فرمودند به مردم و طُلاب که خسران‌زده و زیانکارِ واقعی، کسی است که در روز قیامت، ولیّ خدا از او شکایت کند؛ یعنی بنده‌ی محبوب خدا بشود شاکیِ این فرد و بگوید: خدایا، این کارهایی می‌کرد که منِ امام زمان، کارهای او را می‌دیدم و راضی نبودم.

کما این که عزیزان، امروز اگر ما در دادگاه، شاکیِ ما یک انسانِ شایسته‌ی باوَرع با تقوایی باشد، هر کسی

بشنود، می گوید: شما چه کار کردید که فلانی شاکی شماست؟! همه ی ذهن ها گرایش به این پیدا می کند که ما بد عمل کرده ایم.

در قیامت، زیانکاران واقعی، کسانی هستند که حجت های خدا و شاهد های الهی از آن ها شاکی باشد. پس امام زمان، از ما به ما هم نزدیک تر است. او بر اعمال ما و رفتار ما واقف و آگاه است؛ همان گونه که نظارت خدا را نباید فراموش کرد، نظارت ولی خدا را هم نباید فراموش کرد که شاهدی دیگر است؛ همان گونه که زمین و زمان، این ها هم شاهد های خدا هستند. اعضا و جوارح ما، در قیامت شهادت خواهند داد، امام زمان هم به ما نزدیک است؛ همان گونه که خدا به ما نزدیک است؛ همان گونه که این دو فرشته ای که با ما پیوسته و شب و روز هستند، به ما نزدیکند.

* ۸- علت طولانی شدن غیبت امام چیست؟

یکی از سؤالاتی که مطرح نموده‌اند این است که علت طولانی شدن غیبت امام زمان چیست؟ چرا این غیبت، این همه طولانی شده و زمان، به خودش اختصاص داده؟ و چه کنیم که این عمر طولانی غیبت را کاهش بدهیم و ظهور را ان شاء الله بتوانیم اسبابش را فراهم کنیم؟

در بحث علت طولانی شدن غیبت، یک علت مهم، در به طولانی کشانده شدن غیبت، عدم آمادگی و استعداد عمومی مردم است. جامعه باید به این ضریب آمادگی خودش را برساند و این طولانی شدن غیبت، علتش همین است که آن نصاب آمادگی که باید برای مردم رقم بخورد، متأسفانه ایجاد نشده و ما از همین امر استفاده می‌کنیم که هنوز آن ظرفیت پذیرش ولی خدا در انسان‌ها ایجاد نشده.

من یک نکته‌ای را برای تبیین بهتر مطلب عرض کنم؛ ما در عالم اقتصاد، قانونی داریم به نام عرضه و تقاضا. اگر این‌ها هر دو، رعایت بشود و تناسب این‌ها به هم نخورد، اقتصاد، اقتصادِ موفقی است. اگر عرضه‌ی کالا متناسب با تقاضای جامعه باشد؛ نه تولیدکننده زیان می‌بیند و نه مصرف‌کننده آسیب می‌بیند اما اگر عرضه بود و تقاضا نبود، این‌جا تولیدکننده ضرر می‌کند و زیان می‌بیند.

اگر برعکس، تقاضا بود و عرضه نبود، مصرف‌کننده ضرر می‌بیند. مردم متقاضی جنس و کالایی هستند که این کالا در جامعه توزیع نمی‌شود نتیجه‌اش می‌شود تورّم. این افزایش سریع و بی‌سابقه‌ی اجناس و نرخ‌ها. یعنی نرخ‌ها سرسام آور می‌رود بالا؛ چرا؟ چون تقاضا زیاد است و عرضه، متناسب با تقاضا نیست و اگر عرضه بود و تقاضا نبود، می‌شود رکود اقتصادی. اقتصادی بیمار که تولیدکننده‌ها آسیب

جدی خواهند دید. جنس‌های این‌ها و تولیدات این‌ها در انبارها و کارخانه‌ها می‌ماند و کسی استقبال نمی‌کند. این در بحث اقتصاد.

ما در نگاه کلی در جامعه‌ی بشری، در بحث تربیت، می‌بینیم از شروع عالم، خداوند عالم را با آدم عرضه کرده. یعنی عرضه از ناحیه‌ی خداوند اتفاق افتاده؛ اولین انسانی که متولد می‌شود و نماینده‌ی خداست، حضرت آدم، شروع عالم با عرضه‌ی الهی آغاز می‌شود.

اما در طول تاریخ بشریت وقتی بررسی می‌کنیم تاریخ را، می‌بینیم در نوع زمان‌های مختلف، مردم متقاضی واقعی برای این تقاضا نبوده‌اند. البته این‌ها هم علت‌هایی داشته؛ یک بخش آن هواپرستی‌ها و رفاه‌طلبی‌های مردم بوده؛ یک بخشی از آن تبلیغات سوء دشمنان سوء فضیلت و دشمنان انبیاء و دشمنان ائمه و تبلیغات بر علیه اولیاء بوده. تبلیغات

از یک طرف و رفاه‌طلبی و شهوت‌طلبی و خود خواهی ها از طرف دیگر، و حکومت‌های ظالم و قدرت‌های غاصب هم در این جا نقش داشتند و مانع می‌شدند.

این‌ها سبب می‌شد که بالأخره، مردم آن تقاضای واقعی را از این عرضه‌ی الهی نداشته باشند. یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر و یازده امام آمدند اما در تاریخ می‌بینیم عرضه اتفاق افتاد و تقاضا، یا نبود و یا به حدّ مطلوب نبود. شما می‌بینید در زمان تاریخ اسلام، پیامبر، در مکه سیزده سال که زادگاه مبارک حضرت است، ناگزیر می‌شود پیغمبر از شهر خود، شبانه و مخفیانه هجرت کند. تقاضا نیست! عرضه هست، پیغمبر وجود دارد اما تقاضا نیست.

در ۱۰ سالی که پیامبر در مکه بودند و جنگ‌های فراوانی بر پیغمبر تحمل شد که همه‌ی این‌ها بیانگر

همان عدم پذیرش و تقاضا بود که حکومت‌ها، قبائل، افراد مستکبر، ظالم و گنهکار، این‌ها مانع می‌شدند.

ما در دوران علی بن ابیطالب، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، در دورانِ امام مجتبی، سیدالشهداء، شما در واقعه‌ی عاشورا، می‌بینید امام حسین با بیش از صد و چند نفر از یاران خود به شهادت می‌رسد و حال این‌که عالم اسلام، به آن گستردگی، بالأخره متقاضی این مطلب نبود. امام آمد در صحنه حضور پیدا کرد برای یاری بشریت. در زمان‌های بعد و دوران‌های ائمه، این وضعیت ادامه داشت تا زمانِ امام عسکری.

یک حجت باقی مانده، عرضه‌ی الهی است که این عرضه را خداوند آن‌قدر در پس پرده‌ی غیبت نگه خواهد داشت تا بشریت به تقاضای مطلوب برسد.

امام زمان، برای یک قوم و برای یک جمعیت و برای یک منطقه نمی‌خواهند تشریف بیاورند. امام زمان

می‌خواهد بیايد «يَمَلَأُ اللّٰهُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا» (سليم بن قيس، ص ۴۲۹) رقم بخورد؛ «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (سوره انبياء / آيه ۱۰۵) اتفاق بيفتد.

اين امام زمان، نمی‌آيد تا بشریت به آمادگی برسند؛ اروپا، آمریکا، آفريقا، ايران، همه‌ی انسان‌ها بخواهند که یک انسانِ عدالت‌گستری بيايد و آن‌ها را از ظلم و جور نجات بدهد. بعضاً هم شايد، با نام امام زمان هم آشنا نيستند اما به دنبال عدالت باشند.

من خاطره‌ای را يادم می‌آيد ساليانی قبل، سيمای جمهوری اسلامی، تصویری را از اعتراض مردم لندن در یکی از پارک‌های لندن بر عليه بعضی از تصميمات دولت نشان داد. شب سرد زمستانی بود. نم نم بارش برف در حال باریدن بود و خبرنگار جمهوری اسلامی گفت حدود دو هزار نفر مردم آمده‌اند در اين پارک و چادرهای مسافرتی زده‌اند و در اين چادرها و در اين

سرما، به عنوان اعتراض بر علیه این تصمیم دولت انگلیس، حضور پیدا کرده‌اند.

خبرنگار وارد یک چادری شد که این صحنه را من خودم دیدم، خانم جوانی بود که نشسته بود و زانوهایش را در بغل گرفته بود و از شدت سرما، به خود می‌لرزید. خبرنگار بعد از سلام و احوالپرسی گفت: شما برای چه امشب خانه‌ی گرم خودتان را رها کرده‌اید و آمده‌اید در این چادر و بدون هیچ امکاناتی در این هوای زیر درجه‌ی صفر و در این سرمای سخت، آمده‌اید چه می‌خواهید؟

یک جمله گفت که من همان‌جا عده‌ای نشسته بودند پای تلویزیون، گفتم این خانم، شعارش، شعارِ دولتِ مهدوی است. گفت: ما آمده‌ایم که به دولت انگلیس بگوییم ما متقاضی اجرای عدالتیم. ما با ظلم، متنفریم. دقیقاً شعار، شعارِ امام عصر است. حالا این خانم، مسیحی بود یا یهودی بود و چه عقیده‌ای

داشت، من نمی‌دانم. ولی نگرش او این است که: من عدالت را دوست می‌دارم و از ظلم متنفرم. این شعار دولت حضرت است. لذا این قبیل انسان‌ها در عصر ظهور، قطعاً کنار امام زمان قرار خواهند گرفت.

علت طولانی شدن غیبت امام چیست، علت طولانی شدن غیبت این است که آن آمادگی، نیامده است. لذا اگر آن آمادگی اتفاق بیفتد، این غیبت طولانی از عمرش کاهش پیدا می‌کند و لذا رسالت همه‌ی ما این است که در زمینه‌ی آماده‌سازی دیگران برای پاک بودن و درست زندگی کردن را فراهم کنیم تا این عمر غیبت، کاهش پیدا کند.

*** ۹- آیا برای ظهور فقط باید منتظر ماند؟ تکلیف ما در دوران غیبت چیست؟**

یکی از سؤالات دیگری که مورد بحث است، این است که: اکثریت، فکر می‌کنند برای ظهور، فقط باید

منتظر ماند. آیا ما مردم، برای ظهور حضرت، تکلیفی دیگر نداریم؟ یا اکتفا کردن فقط به همین که منتظر باشیم و به تعبیر امروزی‌ها و عامیانه، دست روی دست بگذاریم تا صاحب‌الزمان بیاید و کاری بکند، این درست است؟

بعضاً انسان می‌شنود که بعضی‌ها می‌گویند آقا کار خراب شده و مگر امام زمان بیاید و کار را درست کند. این همان دست روی دست گذاشتن است. طرف، منفعلانه برخورد می‌کند و خودش را باخته و وظایف خودش را فراموش کرده و همه‌ی این بارها و زحمات‌ها را برای امام زمان دارد می‌بیند و این، خلافِ انصاف است.

تکلیف ما در دوران غیبت چیست؟

در روایات فراوانی ما از معصومین داریم که توصیه کرده‌اند در عصر غیبت اگر قرار گرفتید، منتظر بمانید

و این حالتِ انتظار را در خودتان ایجاد کنید و ثوابی که برای این انتظار بیان شده و ذکر شده در روایتی امام سجاد می‌فرماید: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا؛ کسانی که بر ولایت ما اهل‌البیت در دوران غیبت امام زمان ثابت‌اند یعنی منتظرند و خودشان را سالم نگه می‌دارند و حفظ می‌کنند، خداوند به این‌ها «أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ» (بحار الأنوار/ ج ۷۹ / ص ۱۷۲) (پاداش هزار شهید همانند شهداء جنگ بدر و اُحد را به آن‌ها عرضه خواهد کرد.

قطعاً کار، کارِ بسیار سختی است؛ با نبودنِ امام و مشاهده نکردنِ امام، انسان سلامت و درستی خودش را و راستی و پاکی خودش را حفظ کند، قطعاً ثواب این‌ها به مراتب بیش‌تر از کسانی است که امام را می‌بینند و پاک زندگی می‌کنند. این‌که در روایتی از رسول‌الله هم تجلیل شد از کسانی که در عصر غیبت با ندیدنِ امام و در محضر امام نبودن، سالم زندگی

می‌کنند، پیامبر این‌گونه تجلیل کردند و فرمودند: این‌ها برادران من هستند. فرمودند: این اشتیاقی‌یِ اخوانی؛ چه قدر مشتاقم برادران خود را ببینم؟

که وقتی سؤال شد از رسول خدا که: برادران شما، مگر ما نیستیم؟ حضرت فرمود: شما اصحاب من هستید و برادران من، کسانی هستند که در دوران غیبت، با نبودنِ امام و غائب بودنِ امام، این‌ها به وظایف خود به نحو شایسته عمل می‌کنند.

اول، ما وظایف فردیِ خودمان را در انجام واجباتمان و ترک محرمات و دوری گرفتن از رذائل اخلاقی انجام بدهیم. این وظایف فردیِ هر کسی است.

یک سری وظایف هم هست که ما وظایف اجتماعی داریم. ما نسبت به دیگران هم نباید بی‌توجه باشیم. پیامبر فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ اگر کسی صبح کند و به مسائل مسلمان‌ها بی‌توجه باشد، مسلمان نیست» (کلینی، محمد بن یعقوب،

کافی، ج ۲، ص ۱۶۳). من اگر مشکلات اخلاقیِ جامعه، مشکلات اقتصادیِ جامعه، مشکلاتِ همسایگان من، در من اثری ایجاد نکند، من باید در خودم تجدید نظر کنم. به قول شاعر:

تو کز محنتِ دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

مشکلات دیگران، باید ما را دردمند کند؛ لذا کسانی که منتظرِ امام زمان هستند و می‌خواهند شاهدِ دولتِ کریمه‌ی حضرت باشند، باید تلاش کنند. انتظار یعنی آمادگی؛ انتظار یعنی تلاش. انتظار یعنی کوشش، یعنی فعالیت، فراهم کردن بستری مناسب برای عصر ظهور. اگر من منتظرم، فقط اکتفا نکنم به خواندنِ دعای ندبه و دعای عهد و زیارت آل‌یس. این‌ها بسیار مطلوب و ارزشمند هستند اما فراتر از این، از کانون خانواده شروع کنیم. از خودم شروع کنم؛ خودم به وظایفم عمل کنم؛ خانواده‌ی خودم را،

فرزندم، برادرم، خواهرم، همسرم، پدرم، مادرم،
دوستانم، همسایگانم، در جامعه با هر کسی برخورد
می‌کنیم، تلاش کنیم که در آن‌ها هم انگیزه‌ی آمادگی
را ایجاد کنیم. اگر کسانی را می‌بینیم که از ارزش‌های
اخلاقی فاصله گرفته‌اند، با اخلاق، با ادب، با منطق
این‌ها را دعوت کنیم به راه درست و صحیح. اگر
می‌بینیم کسانی در مشکلات اقتصادی گرفتارند، در
حدّ ظرفیت خودمان و توان خودمان و اعتبار خودمان
و دارایی خودمان، سعی کنیم برای رفع مشکلات
دیگران.

لذا عزیزان، معنای انتظار، فقط دست روی دست
گذاشتن و به دعا روی آوردن و کنج عزلت انتخاب
کردن و یا رفع مشکلات را فقط منوط به آمدن
حضرت دانستن نیست. اگر این بود که امام باید بعد
از پدرش قیام می‌کرد و ظهور پیدا می‌کرد و اتفاق
می‌افتاد. منتظر، یعنی یک انسان آماده؛ یک انسان پا

به رکاب؛ یک انسانِ مستعد برای فراهم کردن زمینه‌ی ظهور نسبت به حضرت.

با این حدیث، عرضم را به پایان برسانم که امام صادق فرمود: هر کسی که دوست دارد از یاران امام زمان باشد، «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ» و بعد حضرت، انتظار را این‌گونه تعریف

می‌فرمایند: «فَالْيَعْمَلِ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ» (غیبت

نعمانی، ج ۱، ص ۲۰۰) تلاش کنید که در این انتظار، ۱- ورع داشته

باشید و منتظر، یعنی انسانِ پاک و انسانی دور از آلودگی‌ها، به قول علامه‌ی فیض کاشانی:

گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی! ورنه رُخَمِ عیان است

یکی این که ما پاک زندگی کنیم چون پاک‌ترین انسان، امروز روی گره‌ی زمین، امام عصر است و منتظرانِ او، منتظرانِ مصلح، باید صالح زندگی کنند. و ۲- اخلاق شایسته. منتظران امام زمان باید انسان‌هایی

باشند دارای اخلاقی پسندیده و رفتاری شایسته. در روابط عمومی‌شان و در برخورد با دیگران، مظهر اخلاق باشند که خوش‌اخلاق‌ترین انسان، امروز روی زمین، امام عصر است و منتظران او باید تلاش کنند در راستای اصلاح اخلاق و اصلاح رفتار و دوری از گناه.

*** ۱۰ - چه کار کنیم که امام زمان (عج) از ما راضی باشد؟**

یکی از سؤالاتی که به ذهن بعضی از عزیزان خطور می‌کند و مورد پرسش قرار گرفتیم این است که: ما چه کنیم امام زمان از ما راضی باشد؟

خب، بالأخره برای رضایت وجود مقدس ولی عصر، ما باید ببینیم که، امام چه می‌پسندد. این برمی‌گردد به این که، ما یک شناختی را و آگاهی‌ای را و معرفتی را نسبت به امام خودمان باید پیدا کنیم. بنده وقتی

می‌خواهم خاطرِ کسی را آزرده نکنم و کسی را دلگیر از خودم نکنم، روحیاتِ او را باید بفهمم. باید‌ها و نبایدهای زندگیِ او را بفهمم و خلاف خواسته‌های او گام برندارم. این، نتیجه‌اش این می‌شود که قطعاً حرکتِ من و اعمالِ من و گفتارِ من، خاطرِ آن فرد را نگران نخواهد کرد.

از نکاتی که ما در روایات تأکید شده که دقت کنید نسبت به امام زمانتان، آن، شناختنِ حضرت است. عزیزان، یک دوره مطالعه‌ای نسبت به زندگیِ امام زمان و خواسته‌های معصومین و رضایت معصومین کجا فراهم شود، در یک حدیثی امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هر کسی که ما را دوست می‌دارد، در سه جا باید دنبال ما بیاید. یعنی از ما تبعیت کند و پیروی کند. قطعاً در این موارد اگر کسی پیروی کرد، محبوبیتِ نزدِ ائمه برایش ایجاد می‌شود.

حضرت فرمود: « **إِنَّ مِنْ شَأْنِنَا الْوَرَعَ** » ما خاندانی هستیم که مظهر پاکی هستیم.

قطعاً اگر بخواهیم امام زمان از ما راضی باشد، ما باید پاک زندگی کنیم، چون پاک‌ترین انسان، امروز روی کره‌ی زمین، امام عصر است. و پاگان‌اند که محبوبیت برایشان ایجاد می‌شود نزد امام زمان. حضرت فرمود: « **فَإِنَّ مِنْ شَأْنِنَا الْوَرَعَ** » ما خاندانی هستیم که مظهر پاکی هستیم و انتظار داریم کسانی که ما را دوست می‌دارند، به پاکی زندگی کنند. از گناه و مظاهرِ معصیت، خودشان را دور نگه دارند.

و این را اشاره‌ای کنم که عزیزان، اسلام، با زندگی کردن و خوب زندگی کردن مخالف نیست؛ اسلام آمده تا زندگی بهتر را ارائه کند. اما اسلام، با نافرمانی خدا و با گناه، با بیگانگی با فضائل اخلاقی مخالف است.

دومین نکته‌ای که امام صادق می‌فرماید: «**وَاجْتِهَادٌ**» ما خاندانی هستیم که مظهر کوشش و تلاشیم. انتظار ما این است که آن‌هایی که ما را دوست می‌دارند، این‌ها هم تلاشگر باشند و خستگی‌ناپذیر باشند. ما در هر بخشی، در هر قسمتی، در هر جایگاهی که در جامعه نقش داریم و مؤثریم، این روحیه‌ی جهادگری و تلاش و پرکاربودن را از دست ندهیم.

قطعاً این حالت در انسان‌ها سبب می‌شود که محبوبیت نزد اولیاء الهی برای آن‌ها رقم می‌خورد. از این ظرفیت‌ها، فرصت‌ها، امکانات، تا هستیم، بهره‌ی کافی را ببریم. تا هستیم، استفاده‌ی جامع را بکنیم.

و سومین نکته، امام صادق می‌فرماید: «**وَإِدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ**» (مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۱۱) ما خاندانی هستیم که مظهر امانتداری هستیم. ما دوست می‌داریم کسانی که امانت‌دارند. ائمه، چون خود امانت‌دارند (**وَ الَّذِينَ هُمْ**

لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ) (سوره مؤمنون، آیه ۸)، این‌ها امانتداری را هم دوست می‌دارند. یعنی انسان‌ها از ظرفیت‌هایی که در اختیار آن‌ها قرار گرفته؛ چه ظرفیت‌های فردی ما که، چشم ما، زبان ما، دست ما، وجود ما، سلامتی ما، لحظه به لحظه‌ی عمر ما، این‌ها امانت الهی است، و چه ظرفیت‌هایی که خارج از وجود ماست؛ ثروت ما، خانه‌ی ما، مرکب ما، وسیله‌ی نقلیه، امکاناتی که در جامعه با آن‌ها مواجه هستیم، موقعیت‌هایی که برای ما رقم می‌خورد، ریاست‌ها، فرصت‌ها، و ... این‌ها همه امانت است. از این‌ها، آن‌گونه استفاده کنیم که نگاهمان، نگاه امانت باشد و نگاه مالکیت نباشد. قطعاً وقتی نگاه، نگاه امانت شد، ما از این ظرفیت‌ها و از این فرصت‌ها، کمال بهره‌برداری و استفاده را خواهیم کرد.

پس اگر ما بخواهیم امام زمان از ما راضی باشد، باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که امام زمان، آن را رضایت دارد

و می‌پسندد، و رضایت معصومین در دوری از گناه، تلاش و کوشش و خستگی‌ناپذیر بودن و امانتداری است.

*** ۱۱ - چگونه محبت امام زمان(عج) را در دل تقویت کنیم؟**

یکی از سؤالاتی که برای بخشی از عزیزان مطرح شده و به ذهنشان خطور یافته این است که: ما چگونه محبت امام زمان را در دل خودمان تقویت کنیم؟ ما می‌خواهیم علاقه‌مند به حضرت باشیم، امام زمانمان را دوست بداریم، چه کنیم که این محبت، در وجود ما رشد کند و افزایش بیابد؟

قطعاً برای این که ما قدر چیزی را بدانیم، باید معرفت آن را بشناسیم. ببینید عزیزان، من یک مثال ساده‌ای را عرض کنم. شما یک سکه بهار آزادی را با یک دانه شکلات، بیاورید در برابر دیدگان یک فرزند دو ساله.

این بچه، کدامش را انتخاب می‌کند؟ آن بچه، چون شناختی از این شیرینی و شکلات دارد ولی شناختی از سکه بهار آزادی ندارد، قطعاً در انتخاب، شکلات را ترجیح می‌دهد چون قدرِ آن سکه را و ارزش آن سکه را نمی‌داند.

ما اگر بخواهیم محبتِ امام زمان را در دلمان تقویت کنیم، اول باید امامِ زمان‌شناس باشیم تا قدرِ این گوهر را بدانیم. امام زمان کیست؟ اساساً نقشِ امام در زندگیِ ما چیست؟ تا قدرِ این نعمت شناخته شود و قدردانی صورت بپذیرد.

من سخنی را از فرمایشات آقا امام رضا تقدیم کنم در این که به این حدیثِ امام هشتم من استناد کنم که در مسند امام هشتم این روایت نقل شده (مُسْنَدُ الْإِمَامِ الرِّضَا) که حضرت می‌فرماید: «**الْإِمَامُ الْأَنِيسُ الرَّفِيقُ**» امام، مونسِ همراه و مهربانی است. رفیقِ شفیقی است برای انسان‌ها. بالأخره در آن تنهایی‌ها، در آن

عزالت‌ها، در آن مهجوریت‌هایی که گاهی اوقات انسان را رها می‌کنند، امام، انسان را رها نمی‌کند. امام، جایگاهش این‌گونه است.

توصیفِ دیگری که در ادامه‌ی این حدیث، امام رضا می‌فرماید: « **وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ** »، امام، پدرِ مهربان است. یعنی برای جامعه‌ی بشری، پدری مهربان است. بشریت را دوست می‌دارد. او امامِ زمان است. او ولیّ عصر است. امام زمان، فقط بر مسلمانان و شیعیان، امامت ندارد؛ او بشریت را ولایت دارد. و نقش امام زمان برای بشریت، نقشِ پدرِ مهربان است. و نکته‌ی دیگر: « **وَالْأَخُ الشَّقِيقُ** » امام رضا می‌فرماید امام زمان، مثلِ برادرِ مهربان است. برادری همدل. سه تا توصیف در این سخن برای امام زمان شده است: آنیس و مونس‌ی همراه و دلسوز و مهربان، پدری شفیق و پرعطوفت، و برادری همدل. (مسند الامام الرضا علیه السلام / ج ۱ / ص ۶۹)

خب وقتی که امام با این ویژگی‌هاست و ما این امام را با این ظرفیت و با این عملکرد شناختیم، قطعاً علاقه‌ی ما به این امام، بیش‌تر می‌شود.

ما چرا پدران خودمان را دوست می‌داریم؟ چرا برادران خودمان را دوست می‌داریم؟ هزاران برابر بیش‌تر از محبتی که پدرانِ ما به ما دارند، برادرانِ ما به ما دارند، رفقای ما به ما دارند، امامِ زمان به ما دارد... او پدرِ مهربانِ امت است. ما بخواهیم محبتِ امام را در دلمان تقویت کنیم، دقت کنیم امام را بهتر بشناسیم.

*** ۱۲ - اعتقاد به مهدویت چه تاثیری در زندگی انسان دارد؟**

با عرض سلام و احترام و ادب محضر همه عزیزان بیننده و شنونده. در سلسله مباحث پرسمان‌های مهدوی، سؤال دیگری که مطرح شده این است که:

اعتقاد به مهدویت چه تأثیری در زندگی انسان ایجاد می‌کند؟

آن‌هایی که اعتقاد دارند امام زمان می‌آید، چه اتفاق مبارکی در زندگی آن‌ها می‌افتد؟ و آن‌هایی که این اعتقاد را ندارند، چه چیزی را از دست می‌دهند؟

در قرآن، خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (سوره

انبیاء/ آیه ۱۰۵) که خدا می‌فرماید: ما در کتاب زبور و هم در کتاب تورات، لوح محفوظ این بشارت را داده‌ایم که سرنوشت آینده‌ی زمین و بشریت، به دست بندگان صالح ما خواهد افتاد.

از این آیه، نوید حکومت جهانی عدالت‌گستر داده می‌شود. قطعاً کسانی که با این نگاه، به زندگی نگاه می‌کنند، انسان‌هایی هستند که با امیدند و با نشاطند. یکی از آثار ارزشمند اعتقاد به مهدویت در زندگی انسان‌ها، همان روحیه‌ی نشاط و امید به

زندگی است که این‌ها معتقدند که سرنوشت آینده‌ی بشریت در برابر این ظلم‌ها و جورها و اجحاف‌هایی که ما شاهدیم امروز جامعه‌ی بشری را درگیر کرده و گرفتار نموده، آینده‌ای روشن در انتظارِ بشریت است. لذا آن‌هایی که معتقدند امام زمان خواهد آمد و امام زمانی بر اعمالِ ما ناظر است، این‌ها با عشق و انگیزه کار می‌کنند.

من یک مثالی عرض کنم؛ یک وقت در یک مجموعه، افرادی دارند زحمت می‌کشند و کار می‌کنند با این باور که، ناظری هست و می‌بینند کارهای آن‌ها را و زحمات آن‌ها فراموش نمی‌شود. این‌ها با یک جدّیت بهتر و با یک تلاشِ بهتر و با یک دقّتِ بهتری کار می‌کنند. اما اگر در مجموعه‌ای، افراد کار بکنند و دیدگاهشان این باشد که زحمات ما دیده نمی‌شود و کارهای ما، فراموش شده، این‌ها با یک سردی و بی‌حالی و کارگریزی کار می‌کنند.

ما وقتی که معتقدیم امام زمان، ناظر بر اعمالِ ماست و خدا، ناظر بر اعمالِ ماست، مردم بدانند یا ندانند، بفهمند یا نفهمند، آن نشاط و آن امید و آن تلاش، در زندگیِ انسان‌ها ایجاد خواهد شد.

و نکته‌ی دیگر، سلامتِ رفتار و گفتار در زندگی‌ها شکل می‌گیرد. وقتی که ما به «مهدویت» معتقدیم، تلاشمان بر این است که در رفتار خودمان و گفتار خودمان، مسیر، مسیری باشد که مطابق با اهداف مهدویت باشد و تلاشِ ما در جهتی باشد که جامعه را آماده کنیم برای آن حکومتِ جهانی و شرایط را مهیا نماییم.

این‌ها از برکاتِ اعتقاد به مهدویت است که هم امید و نشاط در زندگی و هم سلامت در رفتار و گفتار، در گفتارِ ما، رفتارِ ما، کلامِ زشت و رفتار ناپسند مشاهده نخواهد شد، ضمن این که تلاشمان هم بر این است که بتوانیم اطرافیان خودمان و جامعه‌ی خودمان و

فامیل خودمان را به همین سمت و سوی پاکی و
درستی هدایت نماییم و سوق دهیم.

***۱۳- آیا صحت دارد که روزهای دوشنبه و
چهارشنبه کارنامه اعمال به دست امام زمان می
رسد؟**

من یک نکته‌ای را ابتدائاً در مقدمه‌ی بحث عرض کنم
که، در یکی از توقیعات شریف آقا امام زمان حضرت
می‌فرماید: « **فَإِنَّا يُحِيطُ عَلِمُنَا بِأَنْبَائِكُمْ** » ما به اذن
خدا و به امرِ خدا، بر همه‌ی کارهای شما مّطّلعیم.
« **وَلَا يَغْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ** » (بحارالانوار ۵۳: ۱۷۵)، کاری از
کارهای شما، بر ما پوشیده نخواهد ماند. ریز و
درشت، جزئی و کلی، خرد و کلانِ کارهای شما را به ما
عرضه می‌کنند و ما، آگاهیم.

این، توقیع شریفِ حضرت و کلامِ خودِ حضرت است.

استناد کنم به آیهی ۱۰۵ سورهی مبارکه توبه،
قسمتی از آیهی ۱۰۵ که خداوند می‌فرماید: «وَقُلِ
اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»
خداوند می‌فرماید رسولِ ما، بگو: کارهایتان را انجام
بدهید. «فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ» خداوند کارهای شما را
می‌بیند و آگاهِ بر کارهای شماست. «وَرَسُولُهُ» پیامبر
هم کارهای شما را واقف است و مَطَّلِع.
«وَالْمُؤْمِنُونَ»: مؤمنین هم مَطَّلِع می‌شوند به اذن
پرورگار و به امرِ پروردگار.

من دو سه روایت را در ذیل همین آیهی شریفه
محضر شما عزیزان عرض کنم در پاسخ به آن سؤالی
که اولِ بحث مطرح شد.

روایت اول را مرحوم مجلسی در جلد ۲۳ بحار نقل
می‌کند که امام صادق فرمود در ذیل همین آیهی
شریفهی ۱۰۵ سورهی مبارکهی توبه، امام ششم
می‌فرماید: «هو رسول الله و الأئمة» این که خدا

می‌فرماید: خدا، پیغمبر و مؤمنون، کارهای شما را
می‌بینند و آگاهند و بر کارهای شما مطلعند، منظور،
پیامبر هست و ائمه هستند، « (تُعَرِّضُ عَلَيْهِمْ أَعْمَالُ
الْعِبَادِ كُلِّ خَمِيسٍ » (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۶، ص ۳۲۸ - بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۴۵ / بصائر الدرجات،

ص ۴۲۷). امام صادق می‌فرماید اعمال همه‌ی انسان‌ها در
پنج شنبه‌ها عرضه می‌شود بر پیامبر و بر ائمه.
این یک روایت.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ قَالَ قُلْتُ لِلرِّضَا (ع) إِنَّ قَوْمًا مِنْ
مَوَالِيكَ سَأَلُونِي أَنْ تَدْعُو اللَّهَ لَهُمْ، شَخْصِي آمَد
خدمتِ امام رضا و به حضرت عرض کرد: یکی از
ارادتمندانِ شما، گفته برای ما دعا کنید. وقتی این
حرف را به امام هشتم عرض کرد، آقا فرمودند:
«فَقَالَ وَ اللَّهِ إِنِّي لَتُعَرِّضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَعْمَالُهُمْ»
(تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۶، ص ۳۲۸ - بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۴۸ / البرهان): به خدا قسم، هر روز،

کارهای شما به عرضه می‌شود. ما شما را فراموش
نکرده‌ایم. ما از حالِ شما باخبریم. ما می‌دانیم که چه

کسی بیمار است و چه کسی گرفتار است. اعمال، به ما عرضه می‌شود.

جای دیگری، رسول الله می‌فرماید به اباذر: « **يَا اِبَاذِرُ! تُعَرِّضُ اَعْمَالُ اَهْلِ الدُّنْيَا عَلَى اللّٰهِ** » اعمال تمام مردم دنیا را در محضر خدا که عرضه می‌شود، « **مِنْ الْجُمُعَةِ اِلَى الْجُمُعَةِ فِي يَوْمَيْنِ الْاِثْنَيْنِ وَ الْخَمِيسِ** » (این حدیث در کتاب «مکارم الاخلاق» اثر رضی الدین، حسن بن فضل طبرسی، از علمای قرن ششم هجری، فرزند امین الاسلام طبرسی (صاحب تفسیر مجمع البیان) آمده است). تمام اعمال هفتگی را در دو روز، دوشنبه و پنج‌شنبه، عرضه می‌شود». در ذیل همین آیه « **فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ** ».

از مجموع این روایات و روایات فراوان دیگری که در ذیل این آیه ذکر شده، استفاده می‌شود که اساساً لحظه به لحظه و ساعت به ساعت، هم ذات مقدس

پروردگار، هم پیامبر و هم امام معصوم، از اعمال و گفتارِ ما، واقف و آگاهند.

یکی از شهودِ الهی در قیامت، امام علیه السلام است، که بر حالِ ما مطلع‌اند (ای آگه از احوالِ ما).

خاصه این دوشنبه و پنج‌شنبه در بعضی از روایات، قیدِ بخصوص شده؛ اما فراتر از این است. من عرضم این است که ما در محضر خداوندیم و به اذن پروردگار، در محضرِ امام زمانیم، و امام زمان هم بر اعمالِ ما واقف است.

لذا نه تنها دوشنبه و پنج‌شنبه، بلکه ساعت به ساعت، و لحظه به لحظه، اعمالِ ما هم به پروردگار عرضه می‌شود و هم به پیامبر اکرم، و هم به معصومین؛ خاصه وجودِ مقدس امام زمان که در محضر حضرت هستیم.

* ۱۴- شیعیان در زمان غیبت امام زمان چگونه امتحان می شوند؟

البته یکی از بزرگ‌ترین امتحانات ما شیعیان، خودِ غیبتِ امام عصر است. این غیبت، یک آزمونِ بسیار سنگینی است برای همه‌ی ماها در عصر غیبت که مورد آزمایشیم و مورد امتحان قرار گرفته‌ایم و به مراتب، امتحانِ ما از امتحانِ کسانی که در زمان ائمه بوده‌اند، سخت‌تر و دشوارتر است.

یارانی که در زمانِ امام زمان بودند و در زمان صاحب‌الزمان حضور داشتند، در زمانِ ائمه‌ی معصومین حضور داشتند، این‌ها یک بخشی از توفیقاتشان به واسطه‌ی معاشرت و مجالستِ با خودِ معصومین است.

اما در عصرِ غیبت، این توفیق حاصل نمی‌شود. ماها، امام زمان را نمی‌بینیم. امام زمان تشبیه به خورشیدِ پشت توده‌های ابر شده. یعنی آن تابشِ مستقیم

خورشید را مردم مشاهده نمی‌کنند. نورانیت هست؛ ولی مثل خورشیدی که در پشت توده‌های ابر است. قطعاً کارِ ما، کاری بسیار سخت‌تری است و امتحانِ ما، امتحانِ دشوارتری است. و از این جهت است که در روایات، ثوابی که برای شیعیان در زمان غیبت و فضیلت این‌ها ذکر شده، برای شیعیانی که در عصر ائمه بوده، به این نحو گفته نشده.

در روایتی آقا زین‌العابدین می‌فرماید: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا» اگر کسی بر ولایت ما در دوران غیبتِ قائم (عج) ما، ثابت بماند و خودش را حفظ کند، ایمانش را از دست ندهد، «أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ» خداوند پاداش هزار شهید، «مِثْلَ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ» (کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۲۳) همانند شهدای بدر و شهدای احد، که این‌ها در محضر پیغمبر و در رکاب رسول الله به شهادت رسیدند، پاداش هزار شهید را یک‌جا می‌دهند به این شهیدِ منتظری که در

دوران غیبت، صبوری پیشه کرده و ایمان را حفظ کرده است.

عزیزان، از این روایت استفاده می‌شود که کارِ سختی است. شیعیان، امتحانِ سنگینی دارند در عصر غیبت.

در سخنی، پیغمبر فرمود: خیلی مشتاقم برادران خودم را ببینم. اصحاب پیغمبر عرض کردند: یا رسول الله، مگر ما برادرانِ شما نیستیم؟ پیغمبر فرمود: شما اصحابِ من هستید. برادرانِ من کسانی‌اند که در دوران آخرالزمان، حجت خدا از بین آنها غائب است و تنها عاملِ هدایت در بین آنها، سیاهی بر روی کاغذ و قرطاس است (کنایه از قرآن و روایات). این‌ها با نبودن و ندیدنِ امام، ایمانِ خودشان را حفظ می‌کنند.

پس امتحان، امتحانِ بسیار دشوار است. خودِ غیبتِ حضرت، امتحانِ بزرگی است. البته امکانات، ثروت و

قدرت و شرایط‌هایی که در آخرالزمان رقم می‌خورد؛ فضای آخرالزمان، تکنولوژی پیشرفته، امکانات به‌روز، این‌ها همه ابزارهای امتحانی است که همه‌ی ما داریم آزموده می‌شویم در عصر غیبت.

و آن فضائل و مقاماتی که برای منتظرین واقعی گفته شده، « **كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ** » (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۱،

ص ۱۰۹) که علی علیه‌السلام می‌فرماید اگر در دوره‌ی آخرالزمان شیعیان ما به سربلندی این آزمون را بگذرانند، قیامت، در درجه‌ی ما و با ما، همراه خواهند بود.

*** ۱۵- سفیانی کیست؟ کی ظهور می‌کند و چه زمانی نابود می‌شود؟**

سُفْیانی، که در روایات، به‌عنوان یکی از علائم حتمی ظهور از آن یاد شده که در آن کلام امام علیه‌السلام است که « **أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ**

السُّفْيَانِيُّ وَ الصَّيْحَةُ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ» (کمال الدین و تمام النعمه، ابن بابویه،

محمد بن علی، ناشر اسلامیه، چاپ تهران، ۱۳۹۵ ق، نوبت دوم، ج ۲، ص ۵۱۶).

اگر کسی ادعای ظهور امام زمان را بکند، مشاهده‌ی آمیخته با ظهور، قبل از این که این دو جریان اتفاق بیفتد، دروغگوی افترازننده است. قبل از این که سُفْیانی قیام کرده باشد و فتنه‌گری خود را آغاز کرده بود و قبل از اینکه آن صیحه‌ی آسمانی به گوش بشریت رسیده باشد.

خب یکی از علائم حتمی، خودِ شخصِ سُفْیانی است. سُفْیانی، در روایات ما ذکر شده که شخصی است که نامش عثمان، فرزند عَنَبَسَه است و از نوادگان و از نسلِ ابوسفیان است. عثمان بن عَنَبَسَه که از تبار و نسلِ ابوسفیانی است که مخالفِ پیغمبر بود و شیطنت‌های او در صدر اسلام بر علیه پیغمبر و فتنه‌گری‌هایی که بر علیه رسول الله؛ چه زمانی که پیغمبر در مکه بودند و چه زمانی که رسول خدا هجرت به مدینه نمودند، هر توطئه‌ای و هر جنایتی

و هر اتفاقی که می افتاد، دست پیدا و پنهان ابوسفیان و مکر او و ثروت او و فکر شیطنت آمیز او در این کارها دخالت داشت.

سفیانی که به عنوان یکی از علائم حتمی ظهور ذکر شده و در حدیثی، آقا امام صادق می فرماید سفیانی از نشانه های حتمی ظهور است و امام می فرماید در آن روایت، از خروج قیام سفیانی، از آغاز تا انجام، پانزده ماه بیش تر طول نمی کشد. در این طی پانزده ماه، جوامع اسلامی را درگیر جنگ و نزاع و کشمکش ها و خونریزی هایی می کند، به بهانه ی دینداری و تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمان ها را، عثمان بن عَنبَسَه یا سفیانی، فریب می دهد.

شروع قیام سفیانی از شام آغاز می شود و بعد از این که منطقه ی شام را درگیر جنگ های خود می کند، جنگ را به عراق و سپس جنگ را به منطقه ی حجاز

می‌کشاند؛ عربستان. و این چند کشور را درگیر جنگ و خصومت و نفاق و شقاق می‌کند و بعد از پانزده ماه گسترش جنگ و نفاق، سرانجام به دست آقا امام عصر، کشته خواهد شد و به دَرکِ واصل خواهد شد. و در اوصاف لطمه‌هایی که زده می‌شود، داریم که در روایات، در آخرالزمان در منطقه‌ی عراق، **و وَخَسَفِ بَبْغَدَادَ، وَخَسَفِ بِلْدَةِ الْبَصْرَةِ** «گودال‌های عمیقی در بغداد و بصره ایجاد می‌شود.

وَشُمُولِ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ (اثبات الهداة: ج ۳، ص ۷۳۳، ب ۳۴، ف ۸، ح ۸۷). منطقه‌ی عراق را، وحشتی می‌گیرد که آرامش از مردم سلب می‌شود. این‌ها جزء علائم آخرالزمان قبل از ظهوری است که در عراق اتفاق می‌افتد.

عرض شود که، قرمزی‌هایی و سرخی‌هایی در روایات داریم که در آسمان ایجاد می‌شود که شاید اشاره به همین سلاح‌های خطرناک و مرگباری است که بر علیه

انسان‌ها و بشریت، دشمنان فضیلت و انسانیت به کار می‌برند.

بعد از این آشوبی که عثمان بن عنبسه ایجاد می‌کند و از شام، شروع می‌شود و حجاز و عراق را درگیر می‌کند، مقارن می‌شود

با ظهور امام زمان و قیام صاحب الزمان، و بعد همین عثمان بن عنبسه به دست امام عصر به دَرکِ واصل خواهد شد.

*** ۱۶- ما چگونه می‌توانیم زمینه‌ی ظهور حضرت مهدی را فراهم کنیم؟**

این سؤال است که: چگونه می‌توانیم زمینه‌ی ظهور حضرت مهدی را فراهم نماییم؟ ما می‌خواهیم کمک کنیم به ظهورِ حضرت، چه باید کرد؟

گام نخست این است که اول، خودِ ما، بینشِ توحیدیِ خودمان را نسبت به ذات مقدس پروردگار قوی کنیم. قطعاً کسانی که می‌خواهند قدرِ امام زمان را بشناسند و زمینه‌ساز ظهور حضرت باشند، باید بندگان شایسته‌ای باشند برای پروردگار.

ما در مسئله‌ی توحید و خداشناسی و عمل به وظایفمان نسبت به پروردگار، واجباتمان، نماز، روزه، خمس، حج، زکات، و ترک محرّمات و هر چیزی که خدا نمی‌پسندد؛ گناهان به طور مطلق، معاصی، نافرمانی‌ها، هر چه در قالبِ حرام و گناه تعریف شده، ما این‌ها را به اعتبار و احترامِ خدا، کنار می‌گذاریم. ما، بنده‌ایم. «بنده» را امام صادق فرمود: از نشانه‌های «بنده» این است که بداند مولای او، رضایتی دارد و رضایت مولا را انجام بدهد و بداند مولای او، سخطی دارد و سَخَطِ مولای خود را ترک کند و کنار بگذارد.

لذا این خداشناسی و معرفتِ نسبت به حق، و بندگی الهی، این‌ها جزء عواملی است که زمینه‌سازِ ظهورِ حضرت را فراهم می‌کند.

در جریان شب عاشورای امام حسین ما می‌بینیم کسانی که در کنارِ امام حسین قرار گرفته بودند، در شب عاشورا، و روز عاشورا به شهادت رسیدند، که خودِ حضرت در تأیید آن‌ها فرمودند: « **فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ**

أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي » (الإرشاد شیخ مفید/ ص ۲۵۰) من باوفاتر، بهتر، دلسوزتر و پای کارتر از اصحابِ خودم، اصحابی سراغ ندارم. اصحابی بودند که در شب عاشورا، « **لَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيٍّ النَّحْلِ** » (لهوف، ص ۹۴؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۴)

خیمه‌هایی که در کربلا برافراشته شده بود در شب عاشورا، مثلِ کندوی زنبور عسل، صدای زمزمه و مناجات از این‌ها برخاسته بود. همه‌ی این‌ها می‌دانستند که فردا، روزِ شهادتِ آن‌هاست. دغدغه‌ای نسبت به شهید شدن و جان دادن

نداشتند. این‌ها در همان شبِ آخرِ زندگی هم ارتباط خود را با پروردگار برقرار کرده بودند. این‌ها کسانی بودند که در کنارِ ولیِّ خودشان، امامِ زمانِ خودشان، سیدالشهداء، ماندند.

و در اوصاف یاران امام زمان هم، در روایت داریم که «**رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ...**» دور و بَری‌های امام زمان، یاران امام زمان، کسانی هستند که این‌ها، شب‌زنده‌داری می‌کنند؛ پاسی از شب را و بخشی از شب را، به مناجات می‌پردازند. «**لَهُمْ دَوَى فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَى النَّحْلِ**» (بحارالأنوار مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۰۸)؛ این‌ها در نمازهای خودشان، مثل زنبور عسل، مشغول مناجات و راز و نیاز و زمزمه هستند.

یعنی این‌ها، چون خداشناس‌های موفق هستند، قطعاً امام‌زمان‌شناس‌های موفق هم هستند.

و این‌ها با این رفتار و با این بندگی و با این عبادت، زمینه‌سازِ ظهورِ حضرتند.

از مطالب دیگری که من عرض کنم که در زمینه سازی ظهور حضرت بسیار مؤثر است، ولایت پذیری امام است. ما در زندگی سعی کنیم که سخنان معصومین و پیامبر و ائمه ی طاهرین، برای ما اصل باشد و برای ما حرف اول باشد. ما در تجارتمان، در سیاستمان، در رفتارهایمان، در بایدها و نبایدهایمان، ببینیم رضایت آنها چه می گوید. آنچه که آنها می پسندند و آنچه آنها می فرمایند را به کار بگیریم.

نکته ی دیگر، عشق و علاقه ی خودمان را به امام زمان خودمان، بتوانیم در گفتار و رفتار ثابت کنیم. ما می خواهیم به عنوان زمینه ساز ظهور حضرت باشیم، باید علاقه ی خودمان را و عشق خودمان را هم در کلام خودمان و هم در رفتار خودمان، همان طور که امام صادق فرمود: « **كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا** » (بحار، ج ۶۵ / ص ۱۵۱) برای ما اسباب سرافرازی باشید نه اسباب سرافکندگی. منتظران امام زمان باید به

گونه‌ای زندگی کنند که هر کس این‌ها را می‌بیند، به یادِ امام زمان بیفتد و علاقه‌مند به حضرت بشود. بگویند اگر «منتظر» این است، پس ما هم همین مسیر را دنبال می‌کنیم.

«منتظر» در عرصه‌ی اقتصادی، ظلم نمی‌کند. منتظر، در عرصه‌ی اداری، ستم نمی‌کند. منتظر، در کانون خانواده، فساد را گسترش نمی‌دهد. تعدّی و ظلم نمی‌کند.

و پرهیز از محرّمات هم از عواملی است که می‌تواند در زمینه‌سازیِ ظهورِ امام زمان، ما را کمک کند. ما می‌خواهیم مُصلِح بیایم. ما می‌خواهیم خورشیدِ عالم‌تاب طلوع کند. قطعاً با موانع این اتفاقِ مبارک، باید مبارزه کرد که از موانعِ آمدنِ مصلح، فساد است. ما خودمان باید صالح زندگی کنیم و فساد را کنار بزنیم از رفتار و گفتار خود و خانواده‌ی خود و جامعه‌ی خود.

از مقتضیاتِ طلوع خورشید، برون رفتن و خارج شدن
از ظلمت‌هاست، که گناه، جز ظلمت برای بشریت،
چیزی را به دنبال ندارد.

***۱۷- آیا در عصر ظهور عقل انسان ها کامل می
شود؟**

یکی از سؤالات دیگری که پیرامون مهدویت مطرح
شده و عزیزان سؤال نموده‌اند، این است که: آیا در
عصر ظهور، عقل انسان‌ها کامل می‌شود یا خیر؟

در دورانِ ظهور، اتفاق‌های مبارکی ایجاد می‌شود با
آمدنِ حضرت. چون مردم هم این استعداد را پیدا
کرده‌اند و عموم بشریت منتظر آمدنِ یک مصلح
عدالت‌گسترند و همراهی می‌کنند و همکاری می‌کنند
و امام خودشان را تنها نمی‌گذارند. آن استعدادِ
عمومی و خواستنِ همگانی، رقم خورده.

در کنار این اتفاقِ مبارکی که با آمدنِ حضرت رقم می‌خورد، ما شاهدیم در روایات در عصر ظهور، دیگر فقر، مشاهده نمی‌شود. فقر اقتصادی نیست. مردم، در کنار یکدیگر به خوبی و خوشی زندگی می‌کنند. این مرزهای جغرافیایی که امروز کشورها را از یکدیگر جدا کرده و مرزبندی‌هایی که حتی گاهی اوقات طوائف را از هم دور کرده و قلب‌ها را از یکدیگر دور کرده، این‌ها برداشته می‌شود. همه‌ی انسان‌ها از یک پدر و مادرند: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» (سوره حجرات / آیه ۱۳) نگاه، همین می‌شود. همه، خود را از یک پدر و مادر می‌دانند و از یک نسل می‌دانند. رمز برتری را فقط در پاکی و تقوا می‌دانند: «إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (سوره حجرات / آیه ۱۳) لذا با این نگاه، مردم، اموال خودشان را امانت می‌دانند.

در روایت داریم که مردم، وقتی به هم می‌رسند، سراغ نیازمند را می‌گیرند که: شما نیازمندی را سراغ نداری

که ما به او کمک کنیم؟ یعنی همه در جستجوی رفع گرفتاریِ یکدیگر هستند. امنیت، مطلق می‌شود.

در روایت داریم که اگر یک دختر جوانی، ظرفی از گرانبهاترین جواهرات عالم را بر سر خودش بگیرد و از مشرقِ عالم، پیاده به سمت مغرب برود و صحرا و دشت و شهر و بیابان را پشت سر بگذارد و تنهای تنها باشد، نه کسی به مالِ او نگاه می‌کند و نه کسی به جانِ او طمع می‌کند. این امنیت مطلق است که در عصر ظهور رقم می‌خورد.

در شکوفایی علم هم داریم که علم، یک جهشِ فوق‌العاده پیدا می‌کند که در روایات داریم همه‌ی علوم ۲۷ حرف است که به طور رمز گفته شده، که تا قبل از ظهور، بشریت به دو کلمه‌ی آن و به دو حرفِ آن دسترسی پیدا کرده و با آمدنِ حضرت، سیزده برابر بیش‌تر علم جهش پیدا می‌کند و بشریت به آن دانشِ واقعی حقیقی می‌رسد. امروزِ دنیای بشریت با آن

گسترده‌گی علم و دانش در سراسر دنیا در رشته‌های مختلف، ما در همان دو حرفیم.

در کنار همه‌ی این اتفاق‌های مبارک، درون‌ها کامل و عقل‌ها هم کامل می‌شود. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: « إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ » وقتی که قائم ما قیام می‌کند و امام زمان و مهدی صاحب‌الزمان ظاهر می‌شود و حضور رسمی پیدا می‌کند، خداوند دستِ بابرکتِ او را بر سرِ انسان‌ها قرار می‌دهد. به برکتِ آمدنِ او، و به برکتِ حضور او، « فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ » عقل‌ها کامل می‌شود. یعنی خِرَد‌ها، خِرَد‌های کامل می‌شود و عاقلانه مردم تصمیم می‌گیرند و خردمندانه حرف می‌زنند. چون عقل، حجتِ خداست و از این ظرفیت، کامل استفاده می‌شود. « وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقُهُمْ » (کمال‌الدین / جلد ۲ / ص ۶۷۵) درون‌ها و وجودِ انسان‌ها، کامل و درون‌های پاک و سیرت‌های پاکی برای

انسان‌ها رقم می‌خورد. لذا با آمدنِ حضرت، این تحولِ خردورزی و عقل‌ورزی را ما در بشریت، در روایات ما، به ما بشارت داده شده.

* ۱۸ - نقش زنان در قیام جهانی حضرت مهدی چقدر است؟

یکی از سؤالاتی که عزیزان مطرح نموده‌اند این است که نقش زنان در قیام جهانی حضرت مهدی چه قدر است؟ من مقدمتاً نکته‌ای را عرض کنم که بالآخره، اسلام، زن را در کنار مرد دیده: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» (سوره حجرات/ آیه ۱۳) ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم.

دیدگاه ادیان الهی و ادیان آسمانی خاصه اسلام، زن در کنار مرد، «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ» (سوره توبه/ آیه ۷۱؛ سوره احزاب/ آیه ۳۵)، «الصالحين و الصالحات»، «القائتين و القائنات» (سوره احزاب/ آیه ۳۵)، «والمؤتکفین و المؤتکفات» در همه جا، خداوند، زن و مرد را یکسان دیده؛ از نظر عبادت، از

نظر عمل، از نظر اخلاق و فضیلت، و هیچ جا نداریم که عبادتِ مرد، مزیت بر عبادتِ زن داشته باشد یا ارزشِ عبادتِ مرد از ارزشِ عبادتِ زن بیش‌تر باشد. این نگاه، نگاهِ اسلام است.

خدا رحمت کند معمار انقلاب امام راحل را، می‌فرمودند: از دامنِ زن مرد به معراج می‌رود. ما موفقیت‌های مردانِ بزرگ را به اعتبار مادران شایسته داشته‌ایم. یکی از افتخارات امام حسین در روز عاشورا، دامنِ پاکِ مادرش بود که امام حسین، در روز عاشورا به پنج چیز افتخار کرد: بندگیِ خدا، تبعیت از پیامبر، معاشرت با بندگانِ خوب خدا و مؤمنین، تربیت عالمانه و خردمندانه‌ی پدرش علی علیه‌السلام و دامنِ پاکِ مادرش فاطمه‌ی زهرا. این نقش و جایگاه رفیع زن در ادیان آسمانی خصوصاً اسلام است.

اما نسبت به نقشِ خانم‌ها در قیام جهانی حضرت مهدی چیست؟ روایتی را آقای مفضل بن عمر، از

امام صادق نقل می‌کند که امام صادق می‌فرماید:
وقتی امام زمان ظهور می‌کنند، سیزده نفر از بانوانی
که در گذشته‌ی تاریخ اسلام، این‌ها منشأ اثر و
خدمت بودند، این‌ها با امام زمان می‌آیند و در
حقیقت، رجعت می‌کنند و برمی‌گردند به دنیا. چون
یکی از اتفاق‌های مبارکی که در زمانِ ظهور اتفاق
می‌افتد، رجعتِ مردانِ مؤمن و زنانِ مؤمنه‌ای است
که این‌ها آرزو داشتند دولتِ امام زمان را درک کنند و
عمرِ طبیعی کفاف نداد و این‌ها به رحمت الهی
پیوستند یا شهید شدند.

خداوند این فرصت را به این‌ها می‌دهد که در آمدنِ
امام زمان، این‌ها برمی‌گردند و در محضر امام زمان،
خدمت می‌کنند و منشأ خدمت هستند.

این سیزده خانم را که رجعت می‌کنند بخشی از این‌ها
از مادرانِ شهداء هستند؛ مادرِ عمارِ یاسر، بانوان
دیگر، بعضی‌ها مادرِ چند شهید و بخشی از این‌ها

اصلاً در دفاع از ارزش‌های دینی شهید شده‌اند که نام این‌ها هم در روایات برده شده و پاسداری از ارزش‌های دینی کرده‌اند تا جایی که خودشان به شهادت رسیده‌اند. این‌ها به عنوان شاخص، رجعت می‌کنند و به محضر امام زمان می‌رسند و مسئولیت هدایت و پاسخگویی و تقویت جامعه‌ی بانوان را در مراجعه‌ی به مسائل مربوطه به آن‌ها را به عهده دارند.

در جای دیگری، آقای حمران، از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که در زمانِ امام زمان، حکمت و علم چنان گسترده می‌شود که خانم‌ها حتی در خانه‌ی خودشان، بر طبق کتاب خداوند و سنت رسول‌الله قضاوت می‌کنند. این همان جهشِ عظیم علمی است که اتفاق می‌افتد. حتی اگر خانم در درونِ خانه‌ی خودش هم به استناد قرآن و به استنادِ روایات معصومین رأی و نظر می‌دهد.

حدیث دیگری در کتاب شریف بحارالأنوار، جلد ۵۲ هست که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: به خدا قسم، یاران امام زمان در عصر ظهور، هنگام ظهور، سیصد و سیزده نفر هستند که پنجاه نفر از آن سیصد و سیزده نفر، از خانم‌ها تشکیل شده و یارانِ حضرت از بانوان هستند.

و روایات دیگری که دلالت بر این امر می‌کند. لذا از این روایات، ما استفاده می‌کنیم که در عصر ظهور و در قیام جهانی امام زمان، بانوان، نقش بسیار مؤثری هم در شروع قیام و هم در کنار امام زمان و هم در گسترش فرهنگ توحیدی در سراسر عالم به عهده دارند و این مسئولیت سنگین را پذیرا هستند و قبول کرده‌اند.

*** ۱۹ - موانع ظهور امام زمان (عج) چیست؟ برای برطرف کردن آن چه باید کرد؟**

یکی از سؤالات و پرسش‌هایی که پیرامون وجود مقدس ولیّ عصر مطرح است، این است که: موانع ظهورِ امام زمان چیست؟ و ما اگر بخواهیم این موانع را مانع‌زدایی کنیم، چه کار باید کرد؟

آنچه که از روایات ما استفاده می‌شود و بهره‌برداری می‌شود، یکی از موانعِ جدیِ ظهور حضرت، عدم آمادگی انسان‌هاست و تاکنون هم که امرِ ظهور اتفاق نیفتاده، چون آمادگی شکل نگرفته.

در سخنی از وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام هست که حضرت، توصیه می‌نمایند شیعیان را به رعایتِ دو اصل کلی، که این باید عمومیت پیدا کند و همه باید یکدیگر را کمک کنند در رسیدن به این دو ویژگیِ ارزشمند. حضرت می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ» هر کسی که علاقه‌مند است که از یارانِ امام زمان قرار بگیرد، باید منتظر باشد که این امر به انتظار، در خیلی از روایاتی

که از معصومین علیهم السلام ذکر شده، توصیه شده: علی علیه السلام می‌فرماید: «**إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ...**» از رحمتِ الهی و گشایشِ الهی مأیوس نشوید، «**فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ**» (بحار الأنوار/ ج ۵۱ / ص ۱۲۳). علی علیه السلام می‌فرماید شایسته‌ترین کارها نزد پروردگار، انتظارِ فرجِ صاحب‌الزمان است.

و عبارات دیگری که انتظار را «**أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ**»، «**أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ**» یاد کرده‌اند. این انتظار چیست؟ این همان امر ارزشمندی است که اگر اتفاق بیفتد، ما به ظهور کمک کرده‌ایم و اگر اتفاق نیفتد، در حقیقت مانعی است برای ظهور حضرت.

حضرت (امام صادق علیه السلام) در ادامه می‌فرماید: «**وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ**» (بحار الأنوار/ ج ۵۲ / ص ۱۴۰) منتظرانِ راستینِ امام زمان، اول باید پارسا باشند. پاک باشند. از آن‌چه خداوند نمی‌پسندد، فاصله بگیرند.

«ورع» یعنی دوری از گناه. گناه یکی از موانع ظهورِ حضرت ولی عصر است.

گفتم که رویِ خوبت از من چرا نهان است
گفتا تو خود حجابی، ورنه رُخَم عیان است

فرد فردِ ما باید تلاش کنیم برای پاک شدن و پاکی در گفتار، در نگاه، در رفتار، در معاشرت، و این پاکیِ ماها سبب می‌شود که به ظهور کمک کنیم و مانع را برطرف کنیم.

عزیزی نزد من آمد. جوانی بود. گفت: حاج آقا من اگر پاک زندگی کنم و با این معیارها خودم را منطبق کنم، آیا ظهور اتفاق می‌افتد؟ گفتم درست است که در ضرب‌المثل می‌گویند «با یک گل بوی بهار نمی‌آید» اما شما هم نقش داری در جامعه. قطعاً فرد فردِ ما در اصلاح جامعه و در ساختارِ جامعه مؤثریم. این استدلال اشتباه هم نباید شکل بگیرد که من اگر پاک باشم، با پاکی من، امام زمان نمی‌آید ولی من به سهم

خودم کمک کرده‌ام به برطرف کردنِ مانعی در رفتارِ فردیِ خودم.

اما به همین هم نباید بسنده کرد؛ باید دیگران را هم دعوت به همین ورع کرد؛ دوری از گناه و نافرمانیِ خدا، و دعوتِ به پاکی‌ها.

«و محاسِنَ الْأَخْلَاقِ» از ویژگی‌های دیگری که به ظهور کمک می‌کند و نبودنِ این، مانعِ ظهور می‌شود، بداخلاقی‌ها است. سوء خلق، اخلاق ناپسند، تکبر، غرور، حسد، حرص، این‌ها جزءِ رذائل اخلاقی است که در حقیقت یک نوع مانع‌تراشی می‌کند برای امرِ ظهور.

پس اگر ما بخواهیم به ظهورِ حضرت کمک کنیم و موانع ظهورِ حضرت را مرتفع کنیم، تلاش کنیم طبق فرمایش امام صادق، پاک زندگی کنیم و با اخلاقی شایسته در این مسیر، هم خودمان و هم دیگران را دعوتِ به خوبی و شایستگی کنیم.

* ۲۰ - نحوه ظهور امام زمان (عج) چگونه خواهد بود؟

نحوه‌ی ظهور امام زمان، به چه صورتی است و به چه کیفیتی اتفاق می‌افتد؟، زمانِ ظهور را، جز ذاتِ مقدسِ ربوبیت، کسی اطلاع ندارد و این که بعضی‌ها برای ظهور، وقت تعیین می‌کنند، این در خودِ روایت هم نهی شده که «**كَذِبَ الْوَقَّاتُونَ**»، کسانی که تعیین‌کننده‌ی وقت هستند، این‌ها دروغ می‌گویند.

این که ما بگوییم در فلان سال، در فلان مقطع، در فلان زمان، امام زمان تشریف می‌آورند، این یک امری است الهی و در اختیار بشر نیست و تحقق این امر به اراده و مشیت حضرت ربوبیت است. حالا بعضی‌ها می‌گویند که یک سری از علائم آخرالزمان را ما داریم مشاهده می‌کنیم. بخشی از علائم، در روایات، جامه‌ی عمل پوشیده، اما این علائم، نشانه‌ی

آخرالزمان است. نشانه‌ی ظهور قطعی حضرت
نمی‌باشد.

در روایتی از خودِ حضرت نقل شده که «مَنْ أَدَّعَى
الْمُشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفْيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ
مُفْتَرٌ» (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۸). اگر کسی ادعای مشاهده‌ی به
معنای ظهور بکند، قبل از این دو اتفاق: قیام سفیانی
و صیحه‌ی آسمانی، این شخص، دروغ‌گوینده‌ی
افترازننده است و حرف او را نپذیرید.

لذا اگر در این دوره‌ی عصر معاصر هم کسانی مدعی
بشوند که امام زمان در فلان تاریخِ نزدیک، در فلان
سال و در فلان زمان می‌آید، این، با این روایاتِ ما که
نهی شده که تعیین وقت نکنید، منافات دارد و قطعاً
این تعیینِ وقت‌ها اشتباه است.

اما نسبت به نحوه‌ی ظهور، چند نکته را من محضر
عزیزان عرض کنم.

زمانی که جامعه‌ی بشری آماده‌ی پذیرش یک مُصلحِ عدالت‌گستر می‌شوند و این ضریب آمادگی در دنیا اتفاق می‌افتد، قیام صاحب‌الزمان از مکه‌ی معظمه و کنارِ خانه‌ی کعبه و بین رکن و مقام، حضرت خودشان را به بشریت عرضه می‌کنند و این جمله‌ی: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ» (کمال‌الدین/

ص ۳۳۱) من نماینده‌ی خدا هستم، من بقیة الله هستم و خلیفه‌ی الهی هستم و حجّت خدا بر تمامی مردمان هستم. این فرمایش وجودِ مقدس حضرت است که بین رکن و مقام، جمعیت سیصد و سیزده نفر حاضر می‌شوند و به حضرت بیعت می‌کنند. از سراسر دنیا این جمعیت که بخشی از این‌ها خانم‌ها هستند، عهد و پیمان خودشان را با حضرت می‌بندند و حضرت در مکانی، در منطقه‌ی حرم در مکه، به نام «ذی طوی» از آن‌جا حضرت کار را شروع می‌کنند که قیام حضرت از مکه آغاز می‌شود و حضرت، به همراه یارانی که در

مکه با امام بیعت کردند، حرکت به سمت عراق و کوفه می‌کنند و طبق روایاتی که ما داریم، وجود مقدس امام زمان، شهر کوفه را به‌عنوان مرکز حکومت جهانی خود قرار می‌دهند و مسجد سهله را به‌عنوان محل اقامت خود. و از «ذی طوی» که در یک فرسخی مکه است، که حالا این «ذی طوی» هم که در دعای ندبه داریم که در بخشی از دعای ندبه عرض می‌کنیم: «أَبْرَضَوِي أَوْ غَيْرَهَا أُمِ ذِي طَوِي» آقا دوست داریم بدانیم کجا هستید؟

در رَضَوِي هستید یا در منطقه‌ی ذی طوی. ذی طوی در یک فرسخی مکه بوده که الآن از نظر وضعیت جغرافیایی در راه تنعیم، که الآن در خود شهر مکه ذی طوی قرار گرفته. لذا قیام حضرت و ظهور حضرت از مکه‌ی معظمه شکل می‌گیرد و یاران حضرت در کنار حضرت قرار می‌گیرند و حضرت به عراق تشریف می‌آورند و نمایندگان حضرت بسیج

می‌شوند و اعزام می‌شوند به سراسر دنیا و با بشریت این‌ها از طرف حضرت، بیعت می‌گیرند و آن حکومتِ عدالت‌گسترِ الهی که «يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا» شکل خواهد گرفت.

البته حکومت‌های ظالم در مقابل حضرت قیام می‌کنند. سفیانی از گروه‌هایی است و از حکومت‌های ظالمی است که این‌ها به دستِ یاران امام زمان به دَرک واصل می‌شوند و از بین می‌روند و جماعت‌های ستمگر و ظالمی که این‌ها سرِ تسلیم در برابر اوامر اولیای الهی و ولیّ عصر فرود نمی‌آورند این‌ها به استضعاف کشیده می‌شوند و این‌ها به خاک ذلت کشیده می‌شوند و مستضعفین را خداوند به برکتِ حضرت، عزت و سربلندی می‌دهد و آن حکومت جهانی که خدا وعده فرموده: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

انبیاء/ آیه ۱۰۵، آن حکومتِ روی زمین و قدرتِ فراگیرِ جهانی
را خداوند به بندگانِ صالحِ خود عنایت خواهد نمود.

توفیقاتِ همه‌ی عزیزان را از خداوند مهربان
خواستارم، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

برگرفته از بیانات استاد حدائق شیرازی